ماهنامه سراسری
«میدان آزادی»
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

رضا عظیمی مالک شرکت خودروسازی عظیم خودرو که هم اکنون در زندان به سر می برد در گفتگو با میدان آزادی می گوید: اگر تمام پرونده من را برگ به برگ رسانه ای کنید من آزاد می شوم.

آقای اژه‌ای پرونده را از لرستان بگیرید!

صفحه ۶

گفتگوی «میدان آزادی» با مجری طرح دفن زباله های صنعتی و ویژه در استان تهران

دفن زباله های صنعتی در چاه های تهران

صفحه ۳

دیوان برنامه کشور نداریم

گفتگوی میدان آزادی با طراح برنامه توسعه تهران

صفحه ۵

مسئولان برای عدم اجرای برنامه ها باید مجازات شوند

بخشدار کهریزک

کهریزک توان تبدیل به منطقه آزاد تجاری را دارد

صفحه ۱۱

مجلس سنا و مجلس نمایندگان نیاز داریم

گفتگوی میدان آزادی؛ با غلامرضا تاجگردون: در همه جای دنیا یك مجلس سنا وجود دارد که کار قانونگذاری و اصول و ریل گذاری و تصمیم گیری زیربنایی کشور برعهده اوست و مجلس نمایندگان هم به امور دیگر که خرد تر است می پردازند. این پیشنهاد را تمام مسئولان چه اصلاح طلب و اصولگرا قبول دارند اما قانون اساسی ما اجازه نمی دهد. حالا چرا نمی توانیم به قانون اساسی دست بزنیم؟ چون بخواهیم یك اصل را اضافه و حذف کنیم باید تمام قانون اصلاح شود. در هرحال باید تغییراتی در قانون اساسی و ترکیب مجلس شورای اسلامی شکل بگیرد و بودجه کشور سطح بندی شود. من بعنوان نماینده مجلس حق ندارم در امور ریزدولت دخالت کنم. اما امروز من دارم در مدرسه و بهداشت و غیره هم دخالت می کنم. همین موجب ایجاد داستان استیضاح ها می شود چون دعوا سر دوزار و ده شاهی است. بنابراین باید تکلیف رئیس جمهور مشخص شود و کشور دارای دو پارلمان تصمیم گیری خرد و کلان باشد. و قتی مجلس ما در تمام امور دخالت می کند به مشکل بر می خورد. که نمونه های زیادی از این دست داشتیم. بعنوان مثال مگر مجلس نهم با دولت احمدی نژاد همسو نبود پس چرا او را زد؟ یا مجلس دهم مگر با روحانی همسو نبود پس چرا منتقدش شد؟ بنابراین باید مجلس ما هم سطح بندی شود. ما افرادی داریم که اصلا ....؛ عملا مجلس را حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر اداره می کنند و الباقی سرشان گرم کار و اموراتشان است. به اعتقاد من شما پرو فسور هم وارد مجلس کنید آن هم گرفتار رای دهندگانش است. بنابراین باید اصول درست شود.

صفحه ۸

تاثیر سفارشات نمایندگان مجلس در بی گازی کشور

رئیس سابق شرکت ملی گاز ایران در گفتگو با میدان آزادی می گوید: مجبورمان می کردند دردورترین روستاهای کشور خط لوله گاز بکشیم امن اجرا نکردم

مخازن گاز مایع نساختیم؛ باختیم!

صفحه ۴

روز انتخابات عقب خودروها دلار و تراول بود

گفتگوی میدان آزادی در این شماره با علیرضا افشار پارساکباب فروشی است که بازرس ضدفساد در جنوب تهران شد اما حمایت نشد! این جوان ۳۲ ساله بعنوان حرفه‌ای ترین و چهره تاثیر گذار در جنوب تهران معرفی شد.

صفحه ۱۰

ورود «تراموا» به تهران شدنی نیست! مترو و اتوبوسرانی را تکمیل کنید تا به ۱۵ میلیون سفر شهری برسید

محسن هاشمی در گفتگو با میدان آزادی

صفحه ۸

فعالیت ۷۲۰۰ «پیکان» در مهرآباد و جنایت زیست محیطی «آردی» و «پراید»

حسن اصیلیان معاون اسبق سازمان محیط زیست در گفتگو با میدان آزادی از وضعیت زیست محیطی کشور سخن گفت.

صفحه ۲

چند کلمه برای سران قوا برای دفاتر اسناد رسمی

سید هادی کسایی زاده
مدیر مسئول و سردبیر

مقدمه ندارد؛ دفاتر اسناد رسمی پس از ۹۰ سال بعنوان اولین و معتبرترین دفتر پیشخوان خدمات حقوقی و ثبتی کشور همچنان اعتبار دارند. در روزگاری که کشورهای توسعه یافته برای جلوگیری از فساد تمامی خدمات حقوق ثبتی خود را به دفاتر اسناد رسمی واگذار می کنند در ایران راه های بروز فساد با حذف دفاتر اسناد رسمی تسهیل می شود. نکته قابل تامل و تاسف آن است که رسانه ملی و گروهی از خبرگزاری های دولتی و حکومتی هم در تخریب جایگاه دفاتر اسناد رسمی همسو هستند و از هیچ اقدامی فروگذار نیستند. در حالی که یک رسانه و خبرنگار حرفه ای باید تمام تلاش خود را برای مبارزه با فساد در جامعه به کار گیرد به اعتقاد من دفاتر اسناد رسمی می توانند مرجع معتبری برای انعقاد تمامی قراردادها، مزایده ها، مناقصات، استخدام ها و تعاملات مالی شهرداری ها و دهیاری های کشور باشند و با الزام قانونی برای اجرای این طرح می توان از بروز صدها میلیارد فساد در کشور پیشگیری کرد. این پیشنهاد در حالی مطرح می شود که در سالهای اخیر شاهد دستگیری صدها شهردار، اعضای شورای شهر، دهیارها و شرکت های بزرگ مرتبط با شهرداری ها هستیم. یا در موضوع سند نقل و انتقال خودرو هر چند پلیس و برخی از صاحبان خودرو تصور می کنند برنده بازی حقوقی شدند اما در چند سال آینده وضعیت اسفباری از فساد و کلاهبرداری رونمایی خواهد شد که ناشی از خروج از سیستم نظارتی و حقوقی دفاتر اسناد رسمی در تثبیت مالکیت خودرو است. شایسته است که سران قوا که خوشبختانه دو نفر از آنها هم آشنایی لازم و کافی به سیستم قضایی و دفاتر اسناد رسمی دارند شرایط را برای بهره گیری از ظرفیت ۱۶ هزار حقوقدان در دفاتر اسناد رسمی و ۷۰۰ هزار مترمربع فضای اداری مهیا کنند. اما قبل از هر کاری از رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه می خواهم جامعه دفاتر اسناد رسمی را مانند همکاران خود ببینند. چرا که امروز با ثابت ماندن تعرفه دفاتر اسناد رسمی بر خلاف تورم سالانه بزرگترین ضربه به این جامعه وارد شده است. آنها هم صاحب خانواده هستند و در این کشور زندگی می کنند.

فساد، تخلف، کم کاری و کارهای خوب را به ما گزارش دهید
۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴ سردبیر

فیلم مصاحبه های این شماره را در سایت مشاهده کنید
www.m-azadi.com

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گو با

حسن اصیلیان: معاون سابق سازمان محیط زیست

گفتگو با مردی که پست معاون رئیس جمهوری رئیسی را نپذیرفت

فعالیت ۷۲۰۰ «پیکان» در مهرآباد و جنایت زیست محیطی «آردی» و «پراید»

معاون سابق محیط زیست کشور: یک فعال محیط زیست می تواند جاسوس هم باشد

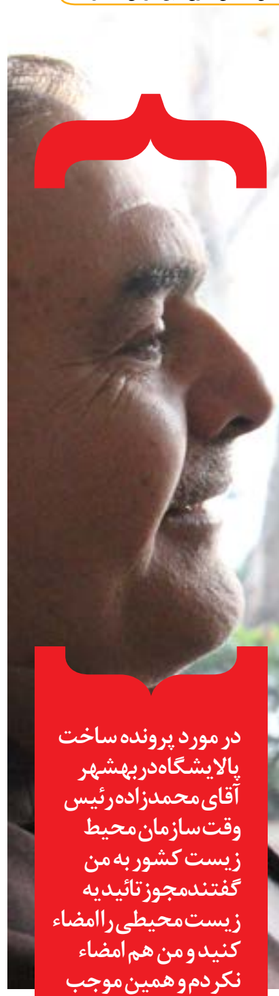

در مورد پرونده ساخت پالایشگاه در بهشهر آقای محمدزاده رئیس وقت سازمان محیط زیست کشور به من گفتند مجوز تائیدیه زیست محیطی را امضاء کنید و من هم امضاء نکردم و همین موجب شد تا برکنار شوم. در جلسه تودیع و معارفه یک ساعت گزارش عملکردم را ارائه کردم که محمدزاده هنگام معارفه گفتند معاون جدید راه آقای اصیلیان را ادامه دهند.

حسن اصیلیان مهابادی ۶۳ ساله دارای دکترای بهداشت حرفه ای، پژوهشگر در حوزه کنترل آلاینده های هوا، عوامل شیمیایی محیط کار، صنعت و محیط زیست، در کارنامه خود غیر از استاد دانشگاه تربیت مدرس، مسئولیت معاونت محیط زیست انسانی سازمان محیط زیست کشور در دولت نهم را دارد.

***مسئولیت ریاست حفاظت محیط زیست دولت رئیسی را نپذیرفتم**

او در دولت سید ابراهیم رئیسی پیشنهاد ریاست سازمان حفاظت محیط زیست کشور را رد کرد و دلیل آن را اینطور بیان می کند: فضا برای کار وجود ندارد و استخاره با قرآن هم کردم خوب نبود. وقتی حمایت نمی شویم (مادی-معنوی) نمی توانیم درست کار کنیم. اتفاقا وقتی برای مصاحبه (برای انتصاب معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست دولت سیزدهم) به پاستور رفتم شخص احمد وحیدی وزیرکشور هم بودند. از من سوال کردند اگر فردی از شما مجوزی برای کار صنعتی در تهران مطالبه کند شما چطور برخورد می کنید؟ من هم پاسخ دادم بر اساس قانون ممنوعیت شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران این کار ممنوع است و وفق قانون عمل می کنم. به نوعی آنها می خواستند در محیط زیست نرمش داشته باشم و توسعه محور باشیم برای همین امروز محیط زیست در گوشه رینگ قرار گرفته است. گفتگوی کوتاه با حسن اصیلیان:

***طرح تغییر در شاخص آلودگی هوا برای جلوگیری از تعطیلی مدارس درست نیست**

خبرنگار: وزیر کشور دولت اقای رئیسی برای جلوگیری از تعطیلی مدارس پیشنهاد تغییر در شاخص آلایندگی هوا را مطرح کرده است. شما بعنوان استاد دانشگاه و فردی که در سازمان حفاظت محیط زیست کشور از تدوینگران قانون هوای پاک بودید قبول دارید؟

اصیلیان: طرح این موضوع اصلا جالب نیست. اعلام یک استاندارد به معنی یک شاخص با پشتوانه تحقیقات علمی و پژوهشی است و این عدد با ضریب ایمنی بعنوان شاخص آلایندگی مطرح می شود و اینکه بخواهیم با دستور غیرعلمی و پژوهشی اقدامی انجام دهیم درست نیست.

خبرنگار: در موضوع آلودگی امواج رادیویی و پارازیت ها و میدان های مغناطیسی نظریه های زیادی مطرح شده و شما هم هشدارهای زیادی دادید. امروز این آلودگی ها با افزایش دکل های برق، رادارها، آنتن های بی تی اس و افزایش تلفن های همراه افزایش چشمگیری داشته است. آیا در این زمینه مطالعات دانشگاهی هم انجام شده است؟ اصیلیان: بر اساس مطالعاتی که در برخی دانشگاه های کشور انجام شده، اثرات میدان‌های مغناطیسی و پارازیت ها اثبات شده است. بعنوان مثال اثرات امواج رادیویی در از بین بردن کروموزوم Y در انسان ها و یا تشدید عصبانیت در جامعه اثبات شده است. بعنوان نمونه افرادی که در صدا و سیما به صورت طولانی مدت مشغول به کار هستند فرزندانشان بیشتر دختر است چون کروموزوم Y آنها از بین رفته و کروموزوم X قالب می شود. به اعتقاد من باید دولت ها به همراه سازمان محیط زیست و دانشگاه ها در کمیته ای مشترک این چالش جدید را بررسی کرده و نسبت به پیشگیری از آن و هشدار به شهروندان اقدام کنند و این حق مردم است که مطلع باشند.

*** یک فعال محیط زیست می تواند جاسوس هم باشد**

خبرنگار: موضوع دستگیری فعالان یا برخی خبرنگاران محیط زیست بعنوان جاسوس چند سالی مطرح است. شما بعنوان فردی که سالها جزو مدیران ارشد سازمان حفاظت محیط زیست کشور بودید و با خبرنگاران و فعالان محیط زیست ارتباط داشتید چه نظری در این مورد دارید؟ اصیلیان: یک فعال محیط زیست می تواند جاسوس هم باشد و یک جاسوس هم می تواند فعال محیط زیست باشد. طبیعتا کشوری که قصد ضربه زدن یا کسب اطلاعات از ایران را داشته باشد برای جاسوسی از این روش هم می تواند استفاده کند. اما چون موضوع سیاسی و امنیتی است من کارشناس آن نیستم. اما همانطور که می دانید ما در بالاترین سطح امنیتی کشور هم جاسوس داشتیم که اعدام شد.

***فرودگاه مهرآباد روزانه اندازه ۷۲۰۰ پیکان آلودگی ایجاد می کند**

خبرنگار: تلاش شما برای انتقال فرودگاه مهر آباد تهران به دلیل آلایندگی زیاد بی نتیجه ماند. هنوز مهرآباد بعنوان یکی از عوامل اصلی آلودگی هوای تهران است؟ اصیلیان: تهران امروز به یک شهری تبدیل شده که آلودگی هوا امکان زندگی در پایتخت را غیرممکن کرده است. ما در شهری باید باشیم که زندگی کنیم نه اینکه بمیریم. امروز آمار مرگ و میرها بیشتر علت زمینه ای آلودگی هوا دارد. وقتی یک هواپیما (آن هم فرسوده) از مهرآباد آماده پرواز می شود برابر با ۱۸ پیکان مدل ٦٤ آلودگی ایجاد می کند. اگر نشست و برخواست هواپیماهای مهرآباد را روزانه ٤۰۰ پرواز در نظر بگیریم می شود اندازه روشن بودن ۷۲۰۰ پیکان در مرکز شهر که آمار خوبی نیست. برای همین انتقال فرودگاه مهرآباد لازم و ضروری است.

*** به من گفتند مجوز تائیدیه زیست محیطی بهشهر را امضاء کنید و من هم امضا نکردم و برکنار شدم**

خبرنگار: در داستان صدور مجوز برای پالایشگاه بهشهر شما مجوز زیست محیطی دادید؟ اصیلیان: دوره ریاست آقای محمدزاده بود و به من گفتند مجوز تائیدیه زیست محیطی را امضاء کنید و من هم امضا نکردم و همین موجب شد تا برکنار شوم. در جلسه تودیع و معارفه یک ساعت گزارش عملکردم را ارائه کردم که محمدزاده هنگام معارفه گفتند معاون جدید راه آقای اصیلیان را ادامه دهند. من نمی خواستم نفرین آیندگان را به همراه داشته باشم. برای همین امضاء نکردم.

*** متوجه شدیم ۱۳ هزار خودروآر دی بدون کنسرتر در پارکینگ ایران خودرواست**

خبرنگار: در دوره شما موضوع استانداردهای زیست محیطی در بحث تولید خودروهای ایرانی چقدر اهمیت داشت و اجرا می شد؟ اصیلیان: اتفاقا ما خیلی با جدیت در حوزه خودرو کار می کردیم. با این حال نمایندگان سازمان مقیم در کارخانجات خودرو آنطور که باید و شاید کار نمی کردند. اما اگر کارشناس تائید نمی کرد ما با پلیس راهنمایی و رانندگی مکاتبه می کردیم تا خودرو شماره گذاری نشود. یادم هست در یکی از برنامه های تلوزیونی سرهنگ هاشمی از پلیس راهور خطاب به من گفتند یک خودرویی تولید می شود که سم در هوا منتشر می کند. من گفتم امکان ندارد ما کارشناس داریم. جلسه‌ای گذاشتیم و سرهنگ هاشمی مدارک و مستندات خود را نشان داد که در خودرو آر دی از سوی ایران خودرو کنسترو جانمایی نشده و آلودگی ایجاد می کند. ما رفتیم و بررسی کردیم و متوجه شدیم ۱۳ هزار خودرو بدون کنسرتر در پارکینگ دارند و نامه نوشتیم که نیروی انتظامی شماره گذاری نکند. یا مثلا خودرو پراید را کاتالیست کانورتور خودشان جانمایی کرده بودند و به ما گزارش دادند این سیستم فقط چند ماه کار می کند و نامه زدیم همه خودروها برگردد. البته امروز دیگر محیط زیست کشور نماینده مقیم در کارخانجات خودروسازی ندارند و خودروی خاص را برای آزمایش می دهند و مشخص نیست الباقی خودروها چگونه است. البته ناگفته نماند که مراکز معاینه فنی ما هم تجهیزات به روزی ندارد. یادم هست وقتی من بخشنامه کردم معاینه فنی در تهران الزامی شود از آقای وحیدنوروزی مسئول وقت در شهرداری تهران سوال کردم چقدر از خودروها رجکت شدند؟ گفت هیچ خودرویی ...! و این نشان می داد که دستگاه ها و تجهیزات قدرت تشخیص ندارد. برای همین در تدوین قانون هوای پاک به روز شدن تجهیزات معاینه فنی را الزامی کردیم. هرچند این تجهیزات هنوز به روز نشده در حالی که امروز خودروها بر اساس یورو ٤ و استانداردهای به روز تری است تجهیزات مراکز معاینه فنی شاید برای یورو یک جواب دهد.

***برای رفع آلودگی هوا نیاز به کمیته ای حکومتی بدون اعمال نفوذ داریم**

خبرنگار: اگر شما رئیس جمهور بودید چه راهکاری برای رفع آلودگی هوا ارائه می دادید؟ اصیلیان: بعد از رفتن از محیط زیست دیگر مصاحبه نکردم چون هرچه گفتیم اجرایی نشد. امروز مشکلات به دلیل توسعه بی رویه شهرها بدون توجه به آمایش سرزمینی و زیرساخت هاست. امروز برخی از شهرهای ما جمعیت ۵ برابر ظرفیت را دارد که نیاز به آب و هوا، مدیریت پسماند و فاضلاب دارد. در هر کجای دنیا برای هرچیزی حتی حمام و گاز و تولید زباله استاندارد تعریف شده است. اما در ایران این مهم هیچ وقت مورد توجه قرار نگرفته است. ما هیچ وقت استقرار صنایع را بر اساس آب مورد نیاز آن و دسترسی نیروی کار و امکان حاشیه نشینی یا در مسیر جهت باد بودن آن صنعت یا شهرک صنعتی توجه نکردیم و چنین چالش هایی رخ داده است. با این حال این مشکل قابل حل است. چون مکزیکوسیتی که آلوده ترین شهر دنیا بود و امروز به پاک ترین شهر نزدیک می شود. من در جلسه اخیر در سازمان بازرسی کل کشور هم گفتم که باید کمیته ای شکل بگیرد که قدرت مالی و اجرایی و غیرقابل نفوذ باشد. کمیته ای که استاندار و فرماندار و وزیر نتواند در آن اعمال نفوذ کند. وقتی برای تهران ۸۰۰ هزار وسیله نقلیه تعریف شده و امروز ٦ میلیون خودرو در حال تردد داریم و این چالش رخ می دهد. مثلا خروج خودروهای فرسوده متوقف شده و ما فقط ورود به ناوگان داریم اما خروج تخصصی و قانونی نداریم. یکی از معضلات دیگر بحث سوخت استاندارد است. زمانی مطرح شد که ماشین های گازوئیل سوز را به دلایل اقتصادی و کم بودن آلایندگی افزایش دهیم اما بعدا متوجه شدیم گازوئیل یک درصد گوگرد دارد و منصرف شدیم. برای همین دنیا به سمت تولید گازوئیلی هستند که میزان گوگرد را صفر کنند. مثلا در برخی از شهرهای توسعه یافته در فصلی از سال الزام به مصرف بنزین سوپر می کنند چون در کاهش آلودگی هوا موثر است. همچنین امروز بسیاری از صنایع کوچک در کشور به صورت زیرزمینی فعال است که حتی مجوز هم ندارند و شبانه کار می کنند و محیط زیست هیچ نظارتی ندارد و وزارت صمت و اتحادیه ها هم در این خصوص ورود نکردند. وقتی ما شورایعالی محیط زیست یا کمیته ای حکومتی داشته باشیم می توانیم به وزارت کشور بگوئیم چرا خودروهای فرسوده را خارج نمی کنید. می توانیم به وزارت صمت بگوئیم چرا خودرو استاندارد تولید نمی کنید؟ یا به پلیس بگوئیم چرا خودروهای آلاینده را متوقف نمی کنید؟ اما امروز هیچ نهادی نیست که قدرت تذکر و نظارت عالی داشته باشد. آقایان می گویند در هر روز تعطیلی دو میلیارد دلار ضرر به کشور وارد می کند، خب همین مبلغ را برای اجرای قوانین هوای پاک اختصاص دهید!

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گو با

مجری طرح دفن زباله های صنعتی استان تهران

۲۶۰۰ تن زباله صنعتی در تهران مخفیانه دفن می شود!

زباله صنعتی یا پسماندهای صنعتی به تمامی پسماندهای ناشی از فعالیتهای صنعتی، معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود که می توان به براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی اشاره کرد. بر اساس آمار کارشناسان سالانه ۳۲میلیون تن پسماند صنعتی در کشورمان تولید می‌شود که از این میزان ۸ میلیون تن به پسماند صنعتی خطرناک اختصاص دارد. جالب است بدانید با تمام ظرفیت های موجود در کشور تنها ۵ درصد از این ۸ میلیون تن پسماند به طور اصولی امحاء می‌شود و باقی آن سر از محل دپو در حاشیه شهرها، کلان شهرها، شهرک‌های صنعتی و اراضی رها شده و رودخانه‌ها و حتی دریا سر در می‌آورد و نهایتا باعث آلودگی آب، هوا، خاک و غذا می شود، در حالی که ظرفیت‌های امحای اصولی و استاندارد کشور معطل مانده است. آمارها می گوید در استان تهران روزانه ۲۸۰۰ تن پسماند صنعتی تولید می شود که تنها یک درصد آن به درستی و مطابق روش های استاندارد مدیریت می شود. برای بررسی بزرگترین فاجعه زیست محیطی در پایتخت در گفتگویی کوتاه با سید صدرالدین طباطبایی رئیس هیات مدیره شرکت پیشتازان محیط زیست آسیا مجری بزرگترین و حرفه ای ترین مرکز مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه در تهران داشتیم که برخی از اظهارات این مجری دانش بنیان، زنگ خطری برای مسئولان و شهروندان تهرانی است. خبرنگار: کدام منطقه و چرا برای ایجاد سایت مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه انتخاب شده است؟ طباطبایی: انتخاب محل مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه برعهده کارگروه پسماند استان متشکل از معاونت عمرانی استانداری، مدیرکل محیط زیست استان و سایر سازمان ها است. پس از سالها مطالعه از سوی دانشگاه های طراز اول کشور، منطقه هوشنگ آباد در حاشیه شهر حسن آباد فشافویه از توابع شهرستان ری به دلیل شرایط خاص زمین شناختی از جمله نفوذناپذیری خاک و عمق بسیار زیاد آب های زیرزمینی، دوری از پایتخت و نزدیکی به شاهراه مواصلاتی کشور انتخاب شد. سپس در سال ۱۳۹٤ مجوز احداث سایت به تایید هیئت دولت و سازمان محیط زیست کشور رسید. احداث سایت مدیریت پسماندهای صنعتی استان تهران با مشارکت سازمان شهرداری‌های استان تهران و کنسرسیوم پیشتازان محیط زیست آسیا در سال ۱۳۹۸ آغاز واکنون مدت دو سال است که سایت در حال بهره برداری می باشد. قابل ذکر است که با توجه به تمرکز صنایع پر اهمیتی مانند پالایشگاه تهران و ... همچنین کارخانه‌های پر شمار سنگبری با امکان تولید پسماندهای خطرناک و پر حجم، این شرکت حداکثر توان و اولویت ظرفیت خود را به شهرستان ری اختصاص داده و امید است بتواند سهم قابل توجهی در کاهش انتشار آلودگیها و زیبا سازی شهرستان داشته باشد. خبرنگار: برای اجرای طرح چه مدت زمانی صرف اخذ مجوز و چه میزان سرمایه گذاری اولیه داشتید؟ طباطبایی: حدود ۲ سال طول کشید تا بتوانیم مجوز بهره‌برداری را اخذ کنیم. و برآورد ما حدود ۱۵۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری است.

خبرنگار: در مورد طرح مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه که در حال اجرا دارید شامل چند سلول (گودال و استخر محل مدیریت پسماندها) و در چه وسعتی می‌شود؟ طباطبایی: طبق قرارداد باید ۳۳ سلول با عمق ۵ متر و وسعت هر سلول ۵۰۰۰ متر ایجاد کنیم که تمامی سلول ها با استفاده از متد و فن آوری ویژه مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه در چند لایه عایق بندی و سیستم مناسب برای جمع آوری و تصفیه شیرابه در آن پیش بینی و اجرا شده است. پسماندهای ورودی پس از تثبیت و تصفیه در سلول های استاندارد و ایمن، تحت نظر کارشناس محیط زیست شهرستان که دائم در سایت مقیم هستند، دفن می شود. خبرنگار: با اجرای این طرح، برآورد شما مدیریت چه مقدار پسماند صنعتی و ویژه در استان تهران است؟ طباطبایی: این سلول ها باید در مدت ۱۰ سال ایجاد شود و تاکنون یک سلول ایجاد و مورد بهره برداری قرارگرفته و دو سلول دیگر هم در حال خاکبرداری است. بر اساس برآوردها هر سلول برای مدیریت ۱۵ هزار تن پسماند پیش بینی شده است. خبرنگار: الان روزانه چقدر پسماند صنعتی دریافت می کنید؟ طباطبایی: در حال حاضر روزانه فقط ۲۰ تن پسماند وارد سایت میشود در حالی که ظرفیت روزانه پیش بینی شده حدود ۱۵۰ تن باشد. خبرنگار: چرا طبق برنامه پسماند صنعتی به این مرکز تحویل داده نمی شود؟ طباطبایی: متاسفانه به دلایل متعدد بسیاری از تولیدکنندگان پسماند از تحویل پسماند خود به این مرکز خودداری می کنند! خبرنگار: یعنی صنایع عظیم مستقر در شهرک صنعتی شمس آباد و پالایشگاه نفت تهران و... هیچ کدام پسماند صنعتی ندارند که در این سایت دریافت و به نحو صحیح مدیریت شوند؟ پس این صنایع با پسماندهای تولیدی خود چه می کنند؟ طباطبایی: بله ظاهرا پسماندی ندارند که تحویل بدهند. شما خبرنگار هستید، بروید بررسی کنید این همه پسماند صنعتی و خطرناک چگونه در این شهرک ها غیب می‌شود. ما بستر را آماده کردیم و آنها طبق قانون موظف به تحویل پسماند ها هستند اما خبری نیست. در ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها آمده است: مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه به‌عهده تولیدکننده خواهد بود. یعنی تمامی شرکت ها، کارخانه ها و شهرک های صنعتی موظف هستند پسماندهای خود را بر اساس اصول زیست محیطی و استانداردهای بهداشت محیط در محلی استاندارد مدیریت کنند. در ماده ۱۵ این قانون تاکید شده است: تولیدکنندگان آن دسته از پسماندهایی که دارای یکی از ویژگی های پسماندهای ویژه می باشند، موظفند با بهینه‌سازی فرآیند و بازیابی، پسماندهای خود را به حداقل برسانند و در مواردی که حدود مجاز در آیین‌نامه اجرایی این قانون پیش‌بینی شده است، در حد مجاز نگهدارند. خبرنگار: یعنی الان از ۲۸۰۰ تن پسماند صنعتی روزانه در تهران چقدر تحویل شما می شود؟ طباطبایی: فقط ۱ درصد! خبرنگار: این یک درصد چه شرکت هایی هستند؟ طباطبایی: برخی صنایع خودروسازی معروف که می شناسید. خبرنگار: به نظرشما چرا برای کسی این مهم اهمیتی ندارد؟ چه کسی کوتاهی کرده است؟ طباطبایی: اول خود شما کوتاهی کردید. در ماده ٦ قانون مدیریت پسماندها آمده است: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌هایی که نقش اطلاع‌رسانی دارند و همچنین دستگاههای آموزشی و فرهنگی موظفند جهت اطلاع‌رسانی و آموزش، جداسازی صحیح، جمع‌آوری و بازیافت پسماندها اقدام و با سازمان ها و مسؤلین مربوطه همکاری نمایند. همچنین وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، کشور و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور کاهش پسماندهای کشاورزی و صنعتی موظفند نسبت به اطلاع‌رسانی و آموزش روستائیان و تولیدکنندگان اقدام لازم را به عمل آورند. خبرنگار: شما این همه سرمایه گذاری کردید و وقت و انرژی گذاشتید تا زمین و هوا و آب دچار آلودگی نشود و زندگی شهروندان به خطر نیفتد اما هیچ نهاد و رسانه ای از شما حمایت نکرد و هیچ ابزاری برای الزام متخلفان قانونی وجود ندارد. خب اگر این طور پیش برود چه می شود؟ طباطبایی: متضرر می شویم و سایت را جمع می کنیم. متاسفانه پسماندهای صنعتی و ویژه در محیطزیست رها می شود و در نهایت وارد چرخه آب و غذای مردم استان می شود و این آلودگی باعث افزایش شیوع بیمارهای خطرناک و مزمن مانند انواع سرطان ها شده و می شود لذا جهت حفاظت بهداشت عمومی و محیطزیست منطقه باید در این زمینه اقدامات عاجل به عمل آید.

خبرنگار: ممون از وقتی که به من دادید. من حرفی برای گفتن ندارم جز اینکه از شما تشکر کنم که به فکر خانواده و همشهری های من و زمین، هوا و آب هستید. امیدوارم این گفتگوی کوتاه موجب تکان دادن صندلی مسئولان امر شود.

گزارش ویژه

گزارش میدانی از بزرگترین منطقه مافیای پلاستیک

الو سازمان بازرسی
ماجرای تخریب زمین های کشاورزی و حمایت از مافیای پلاستیک

با پرداخت ماهانه ۲۵ تا ۱۰۰ میلیون تومان می توانید یک زمین کشاورزی در روستای مجیدآباد، قمصر، ده نو یا دوتویه در جنوب تهران اجاره کرد و با پرداخت انواع و اقسام رشوه آن را تبدیل به انبار و کارگاه تفکیک و بازیافت زباله های پلاستیکی کنید. کارگاه هایی که ۲ برابر بیشتر از زمین کشاورزی نیاز به آب دارند و پس از اتمام قرارداد آن زمین دیگر برای کاشت بذرمناسب نیست. شاید بگوئید مگر می شود؟ چطور برق فشار قوی موتورهای غول پیکر آسیاب ضایعات پلاستیکی را تامین کنیم؟ این یعنی قدرت و یکه تازی سلطان پلاستیک در منطقه کهریزک باستان! اما یک سوال مطرح می شود و آن اینکه چطور ۵۰۰ قطعه زمین کشاورزی فقط در یک روستا تبدیل به کارگاه تفکیک و بازیافت زباله های پلاستیکی می شود در حالی که نیروی انتظامی، جهادکشاورزی، اتاق اصناف و دستگاه های نظارتی هر روز در حال گشت زنی در منطقه هستند؟ آیا از چشم این نیروهای کارآزموده پنهان بوده اند؟ چطور برق سه فاز سر از زمین های کشاورزی درآورده در حالی که نیاز نبوده است؟ چطور جهادکشاورزی برای چند متر بنا در زمینی با کاربری کشاورزی حکم تخریب می گیرد اما کاری به هزاران تن ضایعات پلاستیک آلوده در این زمین ها ندارد در حالی که فقط خمیر حاصل از کوره پلاستیک سوزی بیش از ۵۰۰ سال زمان برای تجزیه می برد!

شاید برای شهروندان کهریزک یا بهتر بگویم برای شهروندان و مسئولان پایتخت حائز اهمیت باشد که این زمین های کشاورزی به اتباع خارجی که بیشتر افغان ها هستند اجاره داده می شود. فاجعه اجتماعی وقتی رخ می دهد که هزاران افغان غیرمجاز که برخی از آنها درون خودروهای حمل زباله قاچاق شده و به کهریزک می آیند، دستی هم بر آتش خرید و فروش موادمخدر دارند. با لباس مبدل و گشت و گذار در میان کارگاه های غیرمجاز بازیافت ضایعات پلاستیک معتادان متجاهری را مشاهده کردم که کارفرماها آنها را خمار کرده و به ازای دریافت مبلغی ناچیز از آنها ضایعات پلاستیک مطالبه می کنند. با یک حساب سرانگشتی فقط در روستای قمصر ماهانه حدود ۳۰۰ میلیارد تومان گردش مالی ضایعاتی هاست در حالی که یک ریال مالیات، عوارض نمی دهند و با دود ناشی از سوختن ضایعات زمین و هوا را آلوده می کنند.

رهبرانقلاب در مراسم روزدرختکاری در سال گذشته فرمودند: یکی از خصوصیات افراد لجوج وخبیث، این است که حرث و نسل را از بین میبرد، فاسد میکند؛ کشت را یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را نابود می کند و از بین می برد. حضرت آیت الله خامنه ای حتی فتوایی در این خصوص دارند و فرمودند: اگر کاری انجام بدهیم که آرامش محیط زیست دیگران برهم بخورد یا حتی شرایط زیستی حیوانات و گیاهان بی‌جهت دچار مسئله بشود و آنها آزار ببینند، این کار جایز نیست. در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ آمده است: اگر کاری انجام بدهیم که آرامش محیط زیست دیگران برهم بخورد یا حتی شرایط زیستی حیوانات و گیاهان بی‌جهت دچار مسئله بشود و آنها آزار ببینند، این کار جایز نیست. در تبصره ماده ۱۵ این قانون آمده است: اگر کاری انجام بدهیم که آرامش محیط زیست دیگران برهم بخورد یا حتی شرایط زیستی حیوانات و گیاهان بی‌جهت دچار مسئله بشود و آنها آزار ببینند، این کار جایز نیست. در ماده ۱٦ این قانون تاکید شده است: تخریب کنندگان خاک مکلفند بلافاصله پس از دریافت اخطار وزارت، فعالیت منجر به تخریب را متوقف و ظرف مهلت معینی که از طرف وزارت اعلام می شود خاک را بازسازی و جبران خسارت نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، بازسازی خاک و جبران خسارت با حکم مراجع قضائی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده محکوم می شود.

از معاون سابق دادگستری کهریزک در مورد مافیای پلاستیک و اینکه چرا همچنان جولان می دهند پرسش کردیم که در پاسخ گفت: مافیای پلاستیک ضایعات پلاستیک را خریداری و در زمین های کشاورزی اطراف کهریزک نگهداری و تفکیک و به فروش می رسانند و به خاک و آب منطقه آسیب وارد می کنند. این افراد متخلف عملاً کاربرد زمین های کشاورزی را از بین بردند. مسئله مافیای پلاستیک بسیار گسترده و سازماندهی شده است و حجم زیادی از ضایعات پلاستیکی در منطقه موجود است. ما اراده جمع آوری این مافیا را داشتیم اما در عین حال برای بهتر شدن این وضعیت و ریشه کن شدن این مافیا ادارات مربوطه از جمله محیط زیست و فرمانداری و بخشداری باید متولی کار شوند. در سال ۱٤۰۰ این سازمان ها وظایفی که باید انجام می دادند را انجام ندادند، آنها باید مکان مناسب از جهت زیست محیطی ایجاد کنند که تحت نظارت محیط زیست باشد. ما به این قضیه ورود کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اگر یک یک این مراکز را جمع آوری کنیم در انتقال به جای دیگر دچار مشکل خواهیم شد لذا نیاز به همکاری فرمانداری، بخشداری و سازمان محیط زیست و شهرداری دارد. حالا با اینکه حمیدزمانی فرماندار شهرستان ری پای جمع آوری مافیای پلاستیک ایستاده اما مجتمع بازیافت آرادکوه وابسته به شهرداری تهران برخلاف تفاهم نامه هنوز اقدامی برای تامین فضا جهت این معضل اختصاص نداده است که نیازمند ورود سازمان بازرسی کل کشور است.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گـــو با
رئیس شرکت ملی گاز ایران در دولت نهم

رئیس سابق گاز ایران: چرا وزارت نفت در هر شهر مخزن گاز نساخت؟

مخازن گاز مایع نساختیم؛ باختیم! تاثیر سفارشات نمایندگان در بی‌گازی

گاز داریم اما زیر زمین است و برای استخراج آن باید ابتدا سرمایه گذاری کرد. برای احداث هر فاز پارس جنوبی سه میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز است تا گاز به سطح آورده و پالایش و آماده تزریق به خطوط لوله شود.

مجبورمان می کردند در دورترین روستاهای کشور خط لوله گاز بکشیم! من اجرا نکردم

در کارنامه و سوابق سیدرضا کسایی زاده ۷۳ ساله، مسئولیت بازسازی واحدهای آسیب دیده مانند برج های تقطیر در اتمسفر و خلاء و کوره‌ها و مبدل های حرارتی پالایشگاه اصفهان در ۷حمله هوایی موثر، مسئول بازسازی کوره تقطیر واحد ۸۵ پالایشگاه آبادان، برج تقطیر تبریز و در دوران جنگ تحمیلی و حضور فعال بعنوان مهندس، مدیرپروژه و رئیس پالایشگاه در راه‌اندازی و بهره برداری پالایشگاه شازند اراک مشاهده می شود. کسایی زاده در دوران دفاع مقدس نقش موثری در بازسازی پالایشگاه استراتژیک آبادان داشت و بعد از جنگ و دوران سازندگی مسئولیت های مهمی چون رئیس پالاشگاه اصفهان، مدیریت پالایش نفت، مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی، مدیر عامل شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت، معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران و مدیر عاملی شرکت ملی صادرات گاز ایران را در کارنامه خود دارد. اودر مهر ماه ۱۳۸۹ بازنشسته شد و امروز بعنوان یکی از نخبگان و مدیران با تجربه در حوزه پالایش نفت و گاز در شرکت های مختلف بعنوان مشاور فعالیت می کند.

خبرنگار: یکی از چالش های امروز موضوع ناترازی گازی در کشور است به نحوی که کمبود گاز تا سال ۱۴۰۶ پیش بینی می شود؛ علت آن چیست؟ کسایی زاده: صنعت گاز به دو بخش اساسی بالادست (تولید گاز از مخازن گاز مثل عسلویه) و پایین دست (پالایش گاز و توزیع آن) تقسیم می شود. وقتی میزان تولید و مصرف همخوانی نداشته باشد ناترازی ایجاد می شود. یعنی براساس پتانسیل و میزان تولید باید جوابگوی مصرف کننده باشیم و اگر نیاز افزایش یافت تولید را بالا ببریم. این ناترازی از سال ۱۳۷۲ تا امروز کم و زیاد وجود داشته است. گاهی کم و گاهی مانند سال ۱۳۸۶ به علت برودت زیاد و قطع واردات گاز از ترکمنستان دچار ناترازی شدیم و امروز در زمستان ۱۴۰۱ هم شاهد این ناترازی هستیم. به اعتقاد من عوامل مختلفی در این ناترازی دخیل هستند که در وهله اول عدم سرمایه گذاری دربخش بالادست در سال های اخیر علت اصلی این بحران است. نیاز به گاز برای مردم، صنایع، نیروگاه ها و بخش تجاری وجود دارد اما دولت جوابگوی این نیاز نیست. دوم آنکه توسعه بی رویه شبکه گاز رسانی چالش زیادی به همراه داشته است. این توسعه به علت فشارهای سیاسی مانند برخی نمایندگان مجلس بر شرکت ملی گاز و دولت برای گاز رسانی به تمام روستاها تحمیل شده است و همین فشار سیاسی موجب شده که در زمستان حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب در روزکمبود ایجاد شود. در حقیقت اول شبکه گاز را توسعه می دهیم بعد دنبال گاز می گردیم تا این شبکه را پر کنیم؟ کجای دنیا اینگونه است؟ خبرنگار: مگر می شود یک نماینده مجلس بتواند برخلاف قوانین و مقررات بگوید به روستای من گاز برسانید؟ مگر قانون نداریم؟ کسایی زاده: قبلا در قانون ثبت شده بود که تا شعاع ۵ کیلومتری لوله های اصلی گاز، شبکه های فرعی برای گازرسانی احداث شود. که امروزه به ۱۰ کیلومتر افزایش یافته و حتی نمونه هایی تا ۵۰ کیلومتر هم وجود دارد. این توسعه شبکه گازرسانی درست نیست،این سراوار است که در زمستان بخاطر مصارف خانگی گاز صنایع از جمله صنایع پتروشیمی را کاهش دهیم یا قطع کنیم ؟چقدر خسارت به آن ها وارد می شود و چه کسی جبران می کند؟ خبرنگار: راهکارش چیست؟ چون روستاها هم به انرژی نیاز دارند. کسایی زاده: به جای این شبکه های غیراصولی باید از برق استفاده شود یا از گازمایع ، برق هم آسان تر اجرا می شود و هم مقرون به صرفه تر و کم خطر است. الحمدلله در کشوری سراسر آفتاب زندگی می کنیم و استفاده از انرژی های تجدید پذیر ، پاک و مقرون به صرفه می تواند کمک شایانی به این موضوع داشته باشد. متاسفانه در کشور متولی برای سوخت و انرپی نداریم و گر نه چه دلیلی دارد در سبد انرپی سهم عمده متعلق به گاز باشد.

خبرنگار: شرکت بهینه سازی مصرف سوخت در زمانی که خود شما مدیرعامل شرکت ملی گاز بودید در این خصوص برای آموزش ها و نظارتها ورود کرده بود؟ کسایی زاده: کار اصلی شرکت بهینه سازی این است که نقاط ضعف را پیدا کند و پس از ارزیابی راهکاری برای کاهش مصرف پیدا کند. به عنوان مثال ارتقا راندمان نیروگاه های قدیمی و با راندمان پایین بود. حتی وزارت نفت آمادگی پرداخت هزینه های آن را هم داشت. اما این اتفاق خوب دنبال نشد و هم اکنون معدل راندمان نیروگاه ها در حد ۳۵ در صد است. خبرنگار: اگر فاز ۱۱ پالایشگاه پارس جنوبی به موقع مورد بهره برداری می رسید می توان گفت که امروز شاهد این بحران نبودیم؟ کسایی زاده: هر فاز می تواند روزانه حداقل ۲۵ میلیون مترمکعب گاز وارد شبکه گاز کند یعنی در دو فاز ۵۰ میلیون مترمکعب تولید می شد. اگر این مجموعه در زمستان جاری وجود داشت شرکت گاز با افت فشار و قطعی مواجه نمی شد و حتی گاز صنایع کمتری هم قطع یا کاهش می یافت. در سال ۸۶ هم مشکل کمبود در تولید بود و فقط ۵ فاز پارس جنوبی کار می کرد اما اکنون ۲۷ فاز به تولید مشغول است و فقط فاز ۱۱ به بهره برداری نرسیده است. خبرنگار: مردم در فضای مجازی گاهی با طعنه و تمسخر می نویسند که چرا ما که دومین دارنده منابع گازی دنیا هستیم، گاز نداریم؟ کسایی زاده: گاز داریم اما زیر زمین است و برای استخراج آن باید ابتدا سرمایه گذاری کرد. برای احداث هر فاز پارس جنوبی سه میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز است تا گاز به سطح آورده و پالایش و آماده تزریق به خطوط لوله شود ، متاسفانه در شرایط فعلی نه منابع مالی داخلی جوابگو است نه تامین کننده خارجی وجود دارد. ما همین تولید فعلی را هم در سال های بعد نداریم ،اگرچه کارهای زیادی برای حفظ و نگهداری تاسیسات در حد مقدورات انجام شده اما امروزه پارس جنوبی آرام آرام با افت تولید مواجه می شود. چون میدان گازی نیاز به سرمایه گذاری دارد تا با افزایش فشار لازم میزان تولید افول نکند. برای زنده نگهداشتن این میادین و استخراج بیشتر از آنها یا فشار افزایی در میادین ، نیاز است بودجه بیشتری صرف شود. این امر فقط مربوط به گاز نیست، در همه زمینه ها نیاز به سرمایه گذاری و اختصاص بودجه برای ارتقای سطح تولیدات ضروری است و شرایط موجود از نظر تامین منابع مالی برای سرمایه گذاری بسیار دور از ذهن و نگران کننده است. خبرنگار: شما یکی از افراد مسئول و مطلع در قرارداد کرسنت بودید؛ اگر موضوع بیان شده در موزد احتمال رانت در این قرارداد را کنار بگذاریم اگر این قرارداد اجرایی می شد امروز مشکل گاز داشتیم یا نه؟ کسایی زاده: کرسنت مربوط به میدان مشترک با امارات برای استخراج گاز ترش بود که باید گاز ترش به جای آنکه که در فلر بسوزد با اینکه برای آن پالایشگاهی ساخته شود وشیرین شود صادر می شد. بحث های زیادی در آن وجود دارد،تصمیم صادرات آن به امارات با توجه به نبود امکانات برای استفاده از آن به نوبه خود تصمیم منطقی و درستی بود. برخی معتقد به ایجاد فساد در آن پرونده هستند و برخی چنین اعتقادی را ندارند و برعکس معتقدند در آن مقطع زمانی که گاز قابل تصفیه و استفاده نبوده کار درستی بود. آن زمان فرمول این پروژه بر اساس قیمت نفت خام ۱۸ دلاری که نرخ موجود بازار طراحی شد که در زمان خود مناسب بود. اما فرمول تهیه شده گر چه شناور است اما متناسب با افزایش قیمت نفت خام قیمت آن هم افزایش می یابد. اما شیب فرمول درقیمت های بالای نفت حتی به بشکه ای ۱۴۷ دلار در سال ۲۰۰۸ هم رسید. هرچند شاید مناسب به نظر نرسد. البته اشکالات جزئی دیگری هم در قرار داد وجود دارد که در سایر قرار داد هم به چشم می خورد ونظر سوئی بر آن مترتب نیست. خبرنگار: نظر شما درباره تیتر «زمستان سخت اروپا» که به خود ایران بازگشت چیست؟ چرا دوراندیشی لازم وجود نداشته است؟ کسایی زاده: مشکل اساسی کشور اختلاف مصرف بخش خانگی در فصول سرد و گرم است، اصولا کشور های دیگر این مشکل را با ذخیره سازی حل می کنند، ما هم باید به ذخیره سازی گاز در زیر زمین بیشتر توجه می کردیم. فرآورده های نفتی در مخازن مخصوص روی زمین قابل ذخیره سازی است اما گاز نه. اصولا برای ذخیره سازی گاز ازمیادین گازی تخلیه شده استفاده می کنند ما هم از سال ۱۳۸۵ سیاست ذخیره سازی را دنبال کردیم و خوشبختانه مخزن «سراجه» در استان قم با ظرفیت ۱۵ میلیون متر مکعب در روز برای ماه های سرد اجرائی شد و امروز کار می کند و میدان ‌شوریجه» در خراسان را هم مشغول بکار است اما این کافی نیست، صرف نظر از بحث زمستان ها اگر به هر دلیلی جریان گاز از جنوب به شمال کشور با مشکل مواجه شود فقط ذخیره سازی است که می تواند به داد کشور برسد وکمبود گاز را جبران کند. این مهمترین نقطه ضعف شبکه ما است. کار دیگر پیک شیوینگ(اوج زدایی) است. یعنی زمانی که مصرف به اوج می رسد، باید ذخیره ای داشته باشیم که از بیرون به شبکه گاز تزریق شود. علاوه بر مخاذن ذخیره سازی احداث مخازن ال ان جی در انتهای خطوط یکی از راه ها است. به این شکل که واحدهای کوچک مقیاس ال ان جی در تابستان فعال باشند و گاز مایع را ذخیره کنند تا در زمستان به شکل گاز به خط تزریق شود. راه دیگر استفاده از کپسول هایی با قطر زیاد و فشار بالا و طویل مشابه سی ان جی که بتوان فشار ۲۵۰ کیلو گرم بر سانتی متر مربع را تحمل کند. وقتی یک حجم ال ان جی تبدیل به ۶۰۰ حجم گاز می شود برای تامین گاز در انتهای خطوط لوله بسیار کارآمد است. مورد دیگری که باید مورد توجه شرکت ملی گاز ایران قرار گیرد تلاش بیشتر برای توسعه شبکه شبکه اصلی گاز ایران و تبدیل آن از حالت درختی به رینگی است تا بتوان پایداری شبکه را افزایش داد ، مثلا چه اشکالی دارد که خط لوله گاز از زابل به نهبندان وصل و جنوب خراسان را تقویت نمود.

خبرنگار: برای ساخت مخازن ال ان جی آیا بخش خصوصی می تواند وارد شود؟ کسایی زاده: البته که می تواند. وقتی قرارداد برد-برد با آنها منعقد شود که منافع آنها هم تامین شود آنها هم وارد می شوند. به نظر من بهتر است که بخش خصوصی انجام دهد نه دولت. خبرنگار: استفاده از گاز مشعل هم برای تامین انرژی صنایع و پالایشگاه ها بسیار اهمیت دارد اما طی بررسی که انجام دادم اجرای طرح «فلر» هنوز نمود پیدا نکرده است!؟ کسایی زاده: دو نوع مشعل وجود دارد. یک مشعل گازی است و دیگری مشعل گاز های همراه نفت است که حتی در برخی فلرها تا ۵ میلیون مترمکعب روزانه گاز می سوزاند. در رابطه با جمع آوری گاز فلرها وزارت نفت قبلا اقداماتی را انجام داد اما کافی نیست. شاید هم اکنون از این فلرها ۴۰ تا ۵۰ میلیون متر مکعب در روز گاز (دوبرابر یک فازپارس جنوبی) قابلیت جمع آوری داشته باشد.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گـــو با
شهرام عدالتی رئیس اسبق سازمان مدیریت تهران

«دیوان برنامه‌کشور» نیاز داریم

مسئولان برای عدم اجرای برنامه ها باید مجازات شوند

شهرام عدالتی را می توان یکی از نخبگان در حوزه برنامه ریزی و بودجه عنوان کرد. کارشناسی که از یک اتاق ۶ متری در ساختمان سازمان به ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران رسید اما به دلیل عدم اجرای برنامه ها تصمیم گرفت یک سال مرخصی بگیرد چون به این نتیجه رسید برای کسی مدیریت و برنامه ریزی اهمیتی ندارد و بدنه دولت دیگر کارشناسی نیست.

خبرنگار: چرا برنامه پنجساله توسعه استان تهران که در دولت حسن روحانی به صورت شبانه روزی و به سختی در مجموعه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران تدوین شده بود به درستی اجرا نشد و می توان گفت که شکست خورد؟

عدالتی: در تدوین این برنامه می توان به جرات و شجاعت گفت که برای نخستین بار در تاریخ نظام برنامه ریزی در ایران مجموعه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران به دنبال منطقه گرایی و ناحیه گرایی در برنامه ریزی رفت و این موفقیت بزرگی بود. باید قبول کرد که آنچه که در کشور ما بعنوان برنامه های میان مدت است یک چالش اساسی دارد و آن اینکه این برنامه ها یک برنامه جامع کشور شمول و متحد المرکز است چراکه از یک سیستم اداری به نام سازمان برنامه و بودجه شکل می گیرد و این نسخه برای کل کشور به صورت برنامه ابلاغ می شود. ما بسیار اصرارداشتیم که چه در قالب استان ها و چه شهرستان ها، نواحی مبنای برنامه ریزی باشند برای همین برنامه ریزی را از شهرستان ها آغاز کردیم. باید گفت که تا قبل از آغاز تدوین برنامه ششم توسعه تا کنون هیچ یک از شهرستان های پایتخت ایران برنامه نداشتند. بعنوان مثال برای نظام برنامه ریزی ایران جالب و قابل تامل بود که در یک وسعت منطقه ای ٦٤ کیلومتر مربع در استان تهران ۷۰۰ هزارنفر جمعیت با تراکم بالا در شهرستانی به نام بهارستان زندگی می کنند که پرتراکم ترین شهر کشور محسوب می شود. یا شهرستان‌هایی مانند پاکدشت، اسلامشهر و غیره ... در نظام برنامه ریزی تاکنون دیده نشده بودند. به اعتقاد من هویت بخشیدن به این شهرستان ها در نظام برنامه ریزی توسعه استان تهران اقدام ارزشمندی بود. هرچند که شاید به موفقیت صد در صدی نرسیدیم اما توانستیم این رویکرد و نگاه و شیوه را نهادینه کنیم که اگر نظام برنامه ریزی و هر دولتی با این نگاه منطقه ای ورود کند موفقیت خوبی در حوزه توسعه به همراه خواهد داشت. خبرنگار: سخنان شما درست است اما سوالم را تکرار می کنم؛ چرا به درستی اجرا نشد و عقیم ماند؟ عدالتی: شما بهترین برنامه عالم را هم طراحی کنید فقط با دو رکن منابع مالی و نیروی انسانی بعنوان مجری قابل محقق شدن است. اما در اجرای این برنامه گاهی منابع نبود و گاهی هم آن باور و نیروی انسانی متناسب اجرای برنامه را نداشتیم. بعنوان مثال در برخی از شهرستان ها واقعا نیروی انسانی کارشناس نداشتیم که حتی این برنامه و اهمیت آن را درک کنند. خبرنگار: این عدم درک یا بهترگویم عدم فهم برنامه محور بودن یک شهرستان از کجا می آید؟ عدالتی: وقتی می گوئیم سرمایه انسانی یعنی افرادی که مجریان توسعه هستند و باید این افراد دانش و سپس بینش درک و نحوه اجرای برنامه را داشته باشند. و باید برنامه را به هرنحوی شده طبق زمان بندی اجرا کند. مثلا در شهرستان ورامین طرح توسعه بسیار خوب پیش رفت و در بخش توسعه روستایی الگو شد. خبرنگار: بنابراین انتخاب دهیار، بخشدار، فرماندار و استاندار بعنوان افرادی که باید سکاندار این بینش باشند اهمیت دارد. روش انتخاب این افراد قطعا بدون برنامه و ساز و کار حرفه ای است و همین موجب تلف شدن برنامه ها و بودجه کشور می شود. قبول دارید؟ عدالتی: به اعتقاد من نباید به فرد حساسیت نشان داد بلکه باید سیستم را توجه کرد. وقتی سیستم برنامه باور و برنامه محور باشد این افراد به درستی سرجای خودشان قرارمی گیرند. استانداری که چشم انداز داشته باشد، آینده نگر باشد و استراتژیک بداند زیرمجموعه ها همه همسان و حرفه ای و هدایت خواهند شد. خبرنگار: جناب آقای عدالتی، گفته های شما درست است اما ضمانت اجرایی برای اجرای برنامه ها در کشور نداریم. مثلا یک دیوان عالی که وظیفه اش بررسی اجرای برنامه و برخورد با نهادها و مسئولانی که از ریل برنامه خارج شدند باشد. عدالتی: در حالی که باید٦ ماه قبل از پایان برنامه ششم برنامه هفتم توسعه را تقدیم صحن مجلس برای نهایی شدن می کردیم چه اتفاقی برای آن افتاد؟ حدود ۲ سال است داریم تمدید می کنیم. این دو معنا دارد که آیا جامعه حکمرانی ما به شکست برنامه ریزی رسیده است؟ یا به این باور رسیدیم که نمی توانیم بر مبنای برنامه حرکت کنیم؟ من حس می کنم رخدادی در کشور شکل گرفته که می گوید این نوع برنامه ریزی دیگر پاسخگوی نیاز ما نیست و شاید حذف برنامه بهتر از تدوین آن باشد. به اعتقاد من اگر بخواهیم دچار ناکارآمدی ساختاری نشویم باید بی تفاوتی و رها شدگی امور را از بین ببریم. توسعه به مشارکت و تکثر ایده و مردم نیاز دارد اما مردم را کنار گذاشته ایم. ما در این کشور هیچکس را برای عدم اجرای برنامه مجازات نکردیم. در دیوان محاسبات انضباط مالی دولت بررسی می شود اما در حوزه برنامه و اجرای آن چه نهادی مسئول است؟ آیا دولت می تواند بر خودش نظارت داشته باشد؟ به اعتقاد من دیوان محاسبات می تواند دیوان برنامه را هم احیا کند. به اعتقاد من در احکام دائمی برنامه هفتم باید فصل نظارت بر برنامه تقویت شود و کسی که از برنامه خارج می‌شود باید مجازات شود. باید کاری کرد که مدیران کارنامه موفقیت خود را ارائه کنند. خبرنگار: با توجه به رخدادهای اخیر در مدیریت کشور آیا امروز سازمان برنامه و بودجه کشور جایگاه خودش را از سطح یک نهاد کارشناسی و نخبه و مغز متفکر برنامه ریزی کشور خودش را هم سطح دولت ها کرده یا مجبور به اجرای دستورات غیرکارشناسی شده است؟ عدالتی: به اعتقاد من بسیار فرق میان سازمان برنامه در دهه ۷۰ و امروز است. در دهه ۷۰ شاهد دوران طلایی سازمان برنامه و بودجه بودیم و بهترین برنامه یعنی برنامه سوم توسعه تدوین و اجرایی شد. در آن دهه ساختار اداری هم با سازمان برنامه همراهی می کرد و همه به فکر توسعه کشور بر اساس برنامه بودند.

*** دچار فقر کارشناسی در بدنه دولت ها شدیم**

امروز آرام آرام دچار فقر کارشناسی در بدنه دولت ها شدیم و چون بدنه کارشناسی حرفه ای دولت و دستگاه های اجرایی سازمان برنامه را همراهی خواهد کرد دیگر چنین مشاهده نمی شود. امروز دیگر بهترین نیروهای متخصص جای خود را به قوم‌گرایی و سیاسی بازی داده توقعی برای آن نداریم. من نمی خواهم نام ببرم اما دستگاه هایی هستند که بسیار بیشتر از پست سازمانی نیرو دارند که حقوق بگیرند اما تاثیری در کار آن دستگاه ندارند و همین آسیب است. خبرنگار: امروز شهرداری های شهرستان های تهران علی رغم پست سازمانی خود چندین برابر ظرفیت نیرو دارند و در کنار آن با استفاده از حفره های قانونی تخلفات گسترده ای را انجام می دهند و همین موجب دستگیری های گسترده شهرداران و مدیران شهرداری ها شده است. مشکل کجاست؟ عدالتی: رابطه دولت و شهرداری رابطه مشخصی نیست. آنقدر که شهرداران در آینده تهران موثر هستند دستگاه های اجرایی ما موثر نیستند. ما نظام دیوان سالاری شفافی نداریم و حتی اگر قوانین هم باشد رعایت نمی شود و سیستمی هم پیگیر پرسشگری و مطالبه گری نیست و نظام حقوق بگیران را توسعه داده ایم. بعنوان مثال آیا شهرداری هایی همترا با شهرداری تهران آنقدر نیرو دارد؟ بنابراین قانون جامع و حرفه ای در حوزه شهرداری ها نداریم. مثلا در حوزه استخدام نیروهای قراردادی و شرکتی آنقدر مسیرهای دور زدن وجود دارد که نمی توان مدیریت کرد. خبرنگار: در مطالعاتی که داشتید به آسیب های جدی که تهران را تهدید می کند رسیدید و حتی برخی را رسانه ای کردید. چرا برای کسی اهمیت نداشت؟ عدالتی: امسال تهران فقط ۲ روز هوای پاک داشت و این فقط یک چالش است اما در مجموع چالش اصلی یعنی آب، خاک، هوا و صدا چالش زیست محیطی تهران را هشدار می دهد. امروز همه دست به آسمان داریم و به سد طالقان البرز و سد لار را برای تامین آب چنگ اندازی می کنیم تا آب تهران تامین شود.

***چرا کسی سوال نکرد اجرای قانون انتقال پایتخت چرا اجرا نشد؟**

وقتی یک تکه آهن ربای بزرگی را وسط زمین قراردهید همه دور آن جمع می شوند. چرا کسی سوال نکرد اجرای قانون انتقال پایتخت چرا اجرا نشد؟ ما در یک انباشتگی پایتخت ورزشی، پایتخت اداری، پایتخت سیاسی، پایتخت اقتصادی، پایتخت هنری و ... قراردارایم. ما قراربود شهر پرند را به دولت شهر تبدیل کنیم که اجرا نشد. امروز دیگر دولت فیزیکی ماهیت ندارد که بگوئیم ساختمان ها را جابجا کنیم. دنیا به سمت شهرهای هوشمند حرکت می کند و باید برنامه ما در این مسیر قرار بگیرد. چرا باید فلان وزارتخانه دارای ساختمان عریض و طویل باشد در حالی که می تواند به صورت آن لاین خدماتش را ارائه کند. در همین حوزه محیط زیست پدیده فرونشست زمین در تهران را هشدار می دهم و به مسئولان می گویم فاجعه نزدیک است.

*** باید به سمت فدرالیست برویم**

خبرنگار: پس برای تمرکززدایی از پایتخت چه راهکاری باید ارائه کرد؟ عدالتی: باید به سمت فدرالیست برویم. در دهه ۱۳۰۰ ایران دارای ٤ ایالت بود. امروز در آمایش سرمینی ایران به ۱۱ منطقه تقسیم شده و می شود برای این ۱۱ منطقه بودجه و ظوابط خاص تعریف کرد. مثلا آیا جذب مالیات در تهران و سیستان و بلوچستان باید یک میزان باشد؟ نباید از اسم ایالتی شدن و منطقه ای کردن کشور هراس داشته باشیم. ما در سال ۵۳ و ٦٨ و ۷۳ روی این موضوع کار و مطالعه شده است. حاکمیت نباید به هر چیزی ورود کند. کجای دنیا با اقتصاد دولتی موفق بوده است؟ چرا باید صندوق توسعه ملی داشته باشیم وقتی می شود هر منطقه صندوق توسعه داشته باشد. ما باید کاری کنیم که وقتی یک ایرانی از شهر پاکدشت عبور می کند باید کار کرد که هر ایرانی و خارجی بداند که از مرکز و پایتخت تولید گل ایران عبور می کند و این باید برندسازی شود. امروز وقتی در دماوند که محل استقرار مرتفع ترین قله ایران است عبور می کنیم هیچ برندی از تجهیزات کوهنوردی و طبیعت گردی نمی بینیم. حالا وقتی به نپال می‌رویم برندهای کوهنوردی تبدیل شده است. چرا در شمشک نتوانستیم به بزرگترین قطب محصولات اسکی کشور و منطقه تبدیل کنیم؟ چون به باورنرسیدیم. آینده تهران محصول امروز ماست. من امروز که از گسل های اجتماعی می ترسم از گسل های زلزله در تهران نمی ترسم. وقتی این گسل ها حرکت کنند سخت خواهد شد.

آمایش به دنبال یک پارچگی است. برای همین پیشنهاد می شود سیستم پارلمان منطقه ای داشته باشیم. ۱۳۰۳ در ایران ایالت فارس و خراسان و سیستان و کرمان و آذربایجان داشتیم. یعنی بوده و داشتیم. در وزارت کشور سر انتقال پایتخت صحبت کردم و گفتم ما شهرهای زیادی در ایران داشتیم که پایتخت بوده اند خب همین ها تجربه خوبی هستند. کلان شهرها در دنیا خاصیت موتور سیاسی کشورها هستند. هرچقدر در مورد تهران حاکمیت به بی تفاوتی برسد تهران هم به حکومت مرکزی بی تفاوت خواهد شد.

***مولدسازی خام فروشی است**

خبرنگار: اگر حضرتعالی با حکم حکومتی عضو تیم راهبری مولد سازی بودید بعنوان کارشناس و مجری چه اقدامی می کردید؟ عدالتی: خب من که در آن شرایط نیستم اما بعنوان کارشناس می گویم که این اقدام مولد سازی بسیار مهم و ضروری بود. بزرگترین دارایی های این کشور دست دولت است اما چرا باید خام فروشی کرد چون آتش زدن به اموال آیندگان است. باید به مدل هایی به مولدسازی برسیم. وقتی ما زمینی دولتی در بلوار کشاورز در شهر تهران داریم چرا باید خام بفروشیم؟ فردی این زمین را خریداری می کند و تبدیل به مرکزتجاری می کند. چرا باید آن فرد و شرکت این کار را انجام دهد در حالی که این سود می تواند برای دولت پایدار باشد.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت‌وگـــو با
رضا عظیمی مالک شرکت عظیم خودرو

ناگفته‌های مالک عظیم خودرو از زندان با ماهنامه میدان آزادی

درخواست ملاقات با سران قوا دارم

دولت روحانی و کارگزارانی ها ما را بدبخت کردند

به طرز مشکوک و غیرقانونی بدون حضور من شرکت و کارخانه ام را فروختند

مرداد ۱۴۰۰ شرکت فرداموتور در غالب خریدار، کارخانه‌ای که بیش از ۱۰۰ میلیون دلار ارزش داشت را به مبلغ ۵۰ میلیون دلار با تعهد پرداخت ۵ ساله پیشنهاد کرد که با توجه به شرایط بحرانی شرکت، مورد موافقت قرار گرفت و قرارداد در مرحله نهایی رفت. درست در قسمتی که قرار بود خطوط تولید «هن تنگ» و «فوتون» بصورت امانی در کارخانه باقی بماند و فرداموتور به صورت پیمانکاری برای این شرکت برای تسویه تعهدات تولید کند، معامله یک مرتبه رها شد.

آبان ماه ۱۴۰۰ خبر اعتراض کارگران کارخانه «عظیم خودرو» واقع در شهرستان «اشترینان» استان لرستان از طریق رسانه های داخلی و خارجی منتشر شد. برخلاف برخورد مسئولان مرتبط با این چالش، شاهد بودیم که حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) دستور داد زیرساخت های تولید در این کارخانه احیا شود و این دستور بازتاب گسترده خبری به همراه داشت که موجب خوشحالی کارگران کارخانه شد. پس از این دستور وزیر کشور در نامه ای به رئیس قوه قضائیه درخواست کرد تا با آزادسازی بخشی از منابع توقیفی مجموعه عظیم خودرو امکان تولید در کارخانه فراهم شود و حجت الاسلام محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه طی دستوری شرایط را فراهم کرد و مقرر شد ۱۵۰ میلیارد تومان از منابع توقیفی شرکت عظیم خودرو به قصد خرید قطعات منفصله به مثابه ملزومات تولید آزاد و چراغ کارخانه روشن شود.

***دستور رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه اجرا نشد!**

اما ناگهان ماجرا تغییر کرد؛ در ماه های اخیر فردی به نام (الف-گ) ابربدهکار بانکی بعنوان بهره بردار این کارخانه معرفی شد که هم اکنون صاحب یک کارخانه تقریبا غیرفعال در مرکز کشور است. بر اساس اطلاعات به دست آمده ۲۵ درصد سهام کارخانه عظیم خودرو متعلق به یک موسسه خیریه زیرمجموعه سازمان بهزیستی کشور؛ ۳۵ درصد سهام کارخانه بابت بدهی ها در توقیف شرکت خودروسازی «پروتن» و الباقی سهام (۲۵درصد) متعلق به رضا عظیمی و ۱۵ درصد هم متعلق به مرحوم داریوش غلامی و ورثه اوست. با توجه به اینکه این کارخانه در حال تولید خودرو «فوتون»، «هن تنگ» و برخی خودروهای عملیاتی بوده اما در ماه های گذشته براساس رای داوری از سوی اتاق بازرگانی ایران میان طرفین دعوا (رضا عظیمی و مجموعه عظیم خودرو- شرکت زاگرس خودرو- موسسه خیریه و مرحوم داریوش غلامی و ورثه و مجموعا افراد حقیقی و حقوقی) دستور فسخ قرارداد صادر می شود در حالی که فقط دو نفر از طرفین دعوا حضور داشتند که از نظر قانونی خلاف مقررات است چون طرفین دعوا همگی دعوت نبودند. رضا عظیمی بنیانگذار شرکت عظیم خودرو در گفتگو با ماهنامه میدان آزادی به برخی سوالات مطرح شده پاسخ داد. خبرنگار: جریان شرکت شما در تقابل با ساختار پیچیده صنعت خودرو چه بود در حالی که شما مدعی محصولات تولیدی حرفه ای و با کیفیت بودید چه اتفاقی برای محصولات شما افتاد؟ عظیمی: در سونامی تغییرات ساختاری در دوران استیجاره فرصتی برای ساختار فساد (مافیای خودرو) جهت موج سواری با هدف تغییر مدیران ناهمگون با این ساختار به وجود آمد. تقریباً حدود ۹۰ درصد از مدیران خودروسازی یا بازداشت شده یا متهم در پرونده‌های قضایی قرار گرفتند. از مدیرعامل تا تمامی اعضای هیئت مدیره برخی شرکت ها مانند ایران خودرو و سایپا تا خودروسازهای تازه وارد مانند شرکت عظیم خودرو که ما بودیم. البته، شرکت هایی مانند گروه کرمان خودرو، مدیران خودرو، بهمن موتور، فردا موتور و گروه ماموت مستثنا قرار گرفتند.

***کارخانه را ورشکسته و بدهکار، تحویل گرفتیم**

در سالهای ۹۴ و ۹۵ بعد از ۱۵ سال حضور فعال در بازار خودرو، تصمیم بر این گرفتیم سرمایه حاصل از فروش خودروهای بی کیفیت داخلی را در جهت اصلاح و تغییر در صنعت خودرو هزینه کنیم. بنابراین هفتاد درصد سهام شرکت زاگرس خودرو به جهت احیا، از طریق قرارداد اجاره به شرط تملیک خریداری کردیم. این خرید از ابتدا مورد تمسخر تجار و فعالان صنعت خودرو قرار گرفت. در آن زمان بدهی شرکت زاگرس خودرو ۲۶۰ میلیارد تومان و ارزش کارخانه کمتر از ۱۵۰ میلیارد تومان بود که با املاک خارج از کارخانه به زحمت به ۲۰۰ میلیارد تومان می -رسید. از آنجائیکه صاحب شرکت (مرحوم داریوش غلامی) در آی سی یو تحت نظر قرارداشت این شرکت و اعلام حکم ورشکستگی آن در دادگاه، هیچ امیدی به جز سرمایه گذاری ما نداشت. بعد از ورود و تحویل کارخانه متوجه شدیم همه ماجرا این نیست، هیچ شرکت خودرو ساز خارجی و صاحب تکنولوژی در آن زمان حاضر به تولید محصولات خود در آن کارخانه نبود. با توجه به وضعیت ورشکستگی، بیش از ۱۰ سال کارخانه اورهال نشده و تجهیزات و حتی خط مونتاژ نهایی که قابلیت خودروهای روز را داشته باشد در کارخانه وجود نداشت. بروز رسانی این خطوط نیاز به سرمایه گذاری بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان داشت که در آن زمان باری دو چندان به شمار می‌رفت که کارشناسان این نحوه سرمایه گذاری را جهل محض اقتصادی می دانستند زیرا می بایست کارخانه‌ای نو در کارخانه قدیمی احداث شود. عملاً به جز زمین و قسمتی از اتاق رنگ هیچ قسمت دیگری قابلیت بهره برداری نداشت و کارخانه‌ای که کمتر از ۱۵۰ میلیارد تومان می‌ارزید را با تعهد. تسویه ۲۶۰ میلیاردی مجدداً باید ۱۰۰ میلیارد دیگر سرمایه گذاری می کردیم.

***کارخانه ۱۵۰ میلیاردی را به کارخانه ۱۵۰۰ میلیاردی تبدیل کردیم**

بعد از سرمایه گذاری مجدد و راه اندازی خطوط جوشه بدنه (جیگوفیکسچر)، احداث ابنیه جدید با استانداردهای شرکت های صاحب تکنولوژی کاموایرهای سقفی و زمینی مدرن، خطوط مونتاژ به روز، احیای خطوط رنگ و تولید و معرفی سه محصول به روز در سطح بین المللی توانستیم کارخانه را از شرایط متروکه به یک شرکت مدعی در صنعت خودرو کشور تبدیل کنیم. همگی باعث افزایش ارزش کارخانه به بیش از ۳۵۰ میلیارد تومان شد که با تورم ابتدای سال ۱۳۹۷ ارزش کارخانه یک مرتبه بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومان کارشناسی شد.

***دولت روحانی و کارگزارانی ها ما را بدبخت کردند**

تا دیماه ۱۳۹۶ اساساً ساختار صنعت خودرو به نفع واردات بود، اما ساختار دولت آقای روحانی با حضور حسین مرعشی مالک شرکت های کرمان خودرو و مدیران خودرو و همچنین رئیس حزب کارگزاران بهمراه اسحاق جهانگیری وزیر سابق صنعت و منتصب به بزرگترین قطعه ساز کشور، قابل پیش بینی بود که اگر این شرایط در دور اول ریاست جمهوری تغییر عمده نداشته باشد قطعاً در دور دوم این تغییرات از منفعت در واردات به منفعت در تولید داخل چرخش پیدا خواهد کرد. بنابراین تعرفه واردات از ۵۵ درصد به ۷۵ تا ۹۵ درصد افزایش پیدا کرد و فاصله تولید «سی کی دی» از ۱۵ درصد با واردات به ۳۵ تا ۵۵ درصد رساند و دیوار رقابتی را برای وارد کنندگان سخت تر شد. این به این معناست که تا قبل از دیماه ۱۳۹۶ چنانچه فردی در زمره تازه خودروسازان قرار می گرفت با سرمایه گذاری حداقل ۱۰۰ میلیارد تومانی معادل ۳۰ میلیون دلار باید تکنولوژی های ناشناخته بین المللی را به جهت محدودیت در تحریم ها تولید می‌کرد و فقط با ۱۵ درصد فاصله باید با رقبای همچون تویوتا، هیوندا، کیا، میتسوبیشی، لکسوس ولوو و همچنین بنز و بی ام وی رقابت می کرد. دیماه ۱۳۹۶، خودروی «هن تنگ» X7 با قیمت ۱۹۰ میلیون تومان باید با رقبایی با خودروهای سورنتو و سانتافه که معادل ۲۱۰ تا ۲۲۰ میلیونی رقابت می‌کرد اما در زمستان سال ۱۳۹۷ همین خودرو با افزایش قیمت به ۲۹۵ میلیون رسید و خودروهای سورنتو و سانتافه با بیش از ۶۰۰ میلیون تومان در بازار عرضه شد. ممنوعیت واردات شرایطی ایجاد کرد که تمام خودروسازهای متروک و فراموش شده در این رانت، ارزش چندین برابر پیدا کردند. بنابراین آن سرمایه گذاری احساسی و فاقد توجیه یک مرتبه در جریان رانتی قرار گرفت که ظاهراً نباید قرار می گرفت. لذا معرفی باکیفیت‌ترین و امن ترین خودرو ساخت داخل برند «هن تنگ» و قدرتمندین خودرو ساخت داخل به نام «فوتون ساوانا» معادلات بازار را تغییر داد و محصولاتی مانند هایما، چانگان، چری (تیگو)، جک، هاوال یا باید قیمت خود را به نصف کاهش می دادند یا کل سرمایه گذاری خود را به دور انداخته و از بازار خارج می‌شدند. تنها دو ماه پس از افتتاح کارخانه و یک هفته بعد از اولین شماره گذاری و عرضه به بازار آنهم بدون حتی یک تعهد معوق و شاکی یک مرتبه مدیر شرکت دستگیر و جلوی تولید این خودرو گرفته شد. این جریان چنان قدرتمند بود که بعنوان نمونه در موضوع این شرکت، حتی ریاست قوه قضائیه جناب اژه ای و ریاست جمهور آقای رئیسی با دستور کتبی و اعلام عمومی در رسانه ملی، نتوانستند در مقابل این جریان پیچیده ایستادگی و مسیر تولید را احیا کنند. خبرنگار: جناب عظیمی شما در زندان هستید، حالا که تابلو کارخانه عظیم خودرو پایین آمده و نام شرکت فرداموتور بالا رفته وضعیت انتقال مالکیت و اموال کارخانه عظیم خودرو به فرداموتور چگونه شکل گرفت و چقدر به شما پرداخت شد ؟ (مستند پاسخ دهید) عظیمی: هیچ نوع قرارداد مکتوبی جهت انتقال کارخانه از طرف شرکت عظیم خودرو به فردا موتور وجود ندارد و کاملا تصاحب کارخانه عظیم خودرو از سوی شرکت فرداموتور به صورت غیرقانونی رخ داده، حتی ریالی به شرکت پرداخت نشده است.(با توجه به سرمایه گذاری بیش از ۵۰۰ میلیارد تومانی و ارزش دارائی بیش از ۳ هزار میلیاردی)؛ با فوت شریک بنده (داریوش غلامی) در سال ۱۳۹۹، اساساً معادلات شراکت ما با شرکت زاگرس خودرو با توجه به محول شدن امورات ایشان به ورات در غالب اعضای هیئت مدیره تغییر کرد. شرکت فرداموتور اولین بار در بهار ۱۳۹۷ در غالب درخواست تولید پیمانکاری محصولات دانگ فنگ به این شرکت مراجعه و مجدداً مهندسین آن شرکت در سال ۱۳۹۸ به جهت تولید در کارخانه عظیم خودرو در غالب پیمانکاری بهمراه شرکای خارجی خود مراجعه کردند که این شرکت تمام همکاری لازم در غالب قرارداد پیمانکاری را با آنها انجام داد. دو ماه بعد از قطعی شدن رای دادگاه کیفری، یعنی در مرداد ۱۴۰۰ شرکت فرداموتور در غالب خریدار، کارخانه‌ای که بیش از ۱۰۰ میلیون دلار ارزش داشت را به مبلغ ۵۰ میلیون دلار با تعهد پرداخت ۵ ساله پیشنهاد کرد که با توجه به شرایط بحرانی شرکت، مورد موافقت قرارگرفت و قرارداد در مرحله نهایی رفت. درست در قسمتی که قرار بر این بود که خطوط تولید «هن تنگ» و «فوتون» بصورت امانی در کارخانه باقی بماند و فرداموتور به صورت پیمانکاری برای این شرکت برای تسویه تعهدات تولید کند، معامله یک مرتبه رها شد، که بنظر می رسد قرار نیست ساختار صنعت خودرو اجازه تولید این محصولات را به ما بدهند و تولید این خودروها دوباره محقق شود. پس ارتباط به کل قطع و معامله لغو شد. متاسفانه در یک جریان بسیار مشکوک به یکباره بدهی فراموش شده کمتر از ۸ میلیارد تومان مربوط به یک شرکت خودروساز دولتی پس از سالها عدم پیگیری و به موجب حکمی حقوقی به ارزش بیش از ۸۰ میلیارد تومان صادر و یکی از فرزندان

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت‌وگـــو با
رضا عظیمی مالک شرکت عظیم خودرو

آقای اژه ای پرونده را از دادگستری لرستان بگیرید

سران قوا، بروند قدرت فرا قانونی که از ابتدا بدون یک ریال پرداختی، کارخانه‌ای با ارزش ۴ هزار میلیارد را از دم قسط با ارزش تومان با قرارداد نامعلوم با افراد فاقد صلاحیت تصاحب کردند را پیداکنند مساله حل می‌شود.

مرحوم داریوش غلامی که مدیرعامل شرکت زاگرس خودرو هم بود را راهی زندان کرد. متاسفانه در شرایطی که یکی از پسران آن مرحوم در زندان به سر می برد از تمام وراث آن مرحوم امضای خرید کارخانه توسط شرکت فرداموتور گرفته شد.

***اقدام قابل تامل اتاق بازرگانی ایران**

سپس در مسیر جریان با بهانه بسیار پیش پا افتاده و خالی از وجاهت قانونی مجموعه زاگرس خودرو در شرایطی که با مرحوم شدن آن بزرگوار بلاتصدی به شمار می رفت و تمامی اعضای هیئت مدیره آن شرکت فاقد اعتبار قانونی به جهت هر نوع اعادی در مراجع قضایی بودند و با توجه به تراضی ارجاع امر اختلافات به داوری، اتاق بازرگانی ایران در کمال تعجب شکایت افراد فاقد سمت را پذیرفت و در یک تخلف آشکار قرارداد صرفا اجاره فی مابین دو شریک را فسخ کرد و به هیچ وجه نظر و حقوقی در جهت حقوق مالکانه در نظر گرفته نشد و حتی کلمه و جمله ای در رای داوری که نشان از حقوق این شرکت بعنوان شریک حق مالکانه داشته باشد نشد.

***چرا رئیس دادگستری لرستان بدون امضای شرکت عظیم خودرو اقدام کرد؟**

این جریان با دادخواست ابطال رای داوری در دادگاه اشترینان شهرستان بروجرد مطرح که در کمال تعجب رییس دادگستری استان لرستان در شرایطی که ارجاع امر کارشناسی تامین خواسته کارخانه در جریان بود و هنوز نظریه کارشناسی صادر نشده بود که وقت اعتراض برای این شرکت شروع شود و کارخانه هم همچنان تحویل عظیم خودرو بود در شبکه سراسری استان با حضور مدیران فردا موتور اعلام کرد که قراردادی مستقیم بین شرکت فرداموتور و عظیم خودرو منعقد و این انتقال انجام شده است. در حالی که نه تنها هیچ قراردادی بین شرکت عظیم خودرو و فردا موتور جاری نشده و پرونده ابطال رای داوری در دادگاه مفتوح و هیچ نوع نتیجه و اعلامی نیز ابلاغ نشده بود. پس بنابراین شرکت به جهت احقاق حقوق خود و تظلم خواهی به دادسرای کارکنان دولت شعبه ۱۱ دادخواست اتهام گزارش خلاف واقع ، اعمال نفوذ، تبانی و همچنین نشر اکاذیب شکایت کردم که راه به جایی نبرد. همچنین در شکایتی دیگر دادخواست انتقال مال غیر در دادسرای الهیه به طرفیت اعضای هیئت مدیره باقی مانده و شرکت فردا موتور مطرح شد که گفتیم تایید تحقیقات نسبت به اینکه هیچ نوع امضاء و انتقالی صورت نگرفته و ریالی هم پرداخت نشده را داریم. همچنین با توجه به اینکه سرمایه گذاری صورت گرفته قسمت اعظم آن با سرمایه گذاری خریداران صورت گرفته و با توجه به وجود پرونده قضایی شرکت عظیم خودرو هر گونه واگذاری اموال این شرکت باید با موافقت دادستان و نماینده مدعی العموم باشد. در شرایطی که بنده مستقیما در چندین جلسه که حتی دادستان حضور داشتند فریاد می زدم که این دارائی من نیست که تاراج برده شده بلکه امید و حقوق مصرف کنندگان است که به تاراج رفته شما وظیفه دارید در شرایطی که بنده مسلوب الاراده هستم و تمام اختیارات از بنده سلب شده در جایگاه مدافع حقوق عامه از حقوق بنده و مصرف کنندگان من دفاع کنید. خبرنگار: آیا اطلاعی از تولیدات جدید خودرو از نظر کیفیت و دریافت تسهیلات بانکی در کارخانه خودتان از سوی شرکت فردا موتور دارید ؟ عظیمی: در مورد محصولات شرکت فردا موتور که بنده بی اطلاع هستم. اما این را میدانم که سالیان دراز است که صنعت خودرو در ایران عزیز ما تحت استعمار خودروسازان فرانسوی قرار دارد. با یک نگاه اجمالی در خیابان ها و حجم تولید خودرو در کشور متوجه می شوید که نه تنها بیشترین حجم ریالی با فاصله سهم خودروسازان فرانسوی مثل رنو و پژو قرار دارد که حتی گاهی با ظاهری متفاوت ولی باطنی مشترک مثل برند «دانگ فنگ» وارد بازار ایران می شود که چندین و چند شریک همانند ایران خودرو، بهمن موتور، مدیران خودرو و در آخر فردا خودرو دارند. برخلاف اینکه عامه مردم مافیای خودرو را در خودروسازان می دانند اما واقعیت این است که قسمت عمده این جریان مافیایی مربوط به قطعه سازان است که در اصل سهام عمده آن مربوط به پژو فرانسه است. سایت تولیدی فرداموتور در سمنان که در دولت آقای احمدی نژاد با سفارش دولت ایشان راه اندازی شد اساسا کارخانه ای ناقص و فاقد ساختار تولید به تنهایی بود. زیرا، وقتی سایت تولیدی با بیش از ۷۰ هزار دستگاه در سال راه اندازی می شود باید ساخت داخلی بیش از ۲۰ درصد داشته باشد در حالیکه در این سایت آثاری از خطوط جوش بدنه و اتاق رنگ که لازمه یک تولید خودرو است را نداشت. قابل توجه اینکه محصولات «سی کی دی» به واسطه قیمت و جایگاه آنها در بازار، تولید آنها بیش از ۵ هزار دستگاه برای هر محصول در سال به ندرت اتفاق افتاده، پس قطعه سازان داخلی به هیچ وجه علاقه‌ای به تولید قطعه برای قطعات خودروهای کارخانه‌های کوچک خودروسازی نیستند. زیرا تیراژ آنها معمولاً بین ۲ تا ۳ هزار دستگاه در سال محدود می شود. بنابراین خودروسازان کوچک عموماً ناچار به محدود شدن ساخت داخل در حاشیه ۲۰ تا ۳۰ درصد میباشد که بدون داشتن خطوط جوش بدنه و اتاق رنگ تصور این حق ساخت داخل بسیار سخت است. نظر به اینکه از نظر قانونی در دستورالعمل های وزارت صمت هر محصول نهایتاً می تواند تا سقف ۵۰۰ دستگاه با ساخت داخل کمتر از ۲۰ درصد تولید کند و با توجه به اینکه ساخت داخل محصولات فرداموتور از ابتدا هیچگاه به ۲۰ درصد نرسید، جای تعجب دارد که چطور و چگونه تعهدات ایجاد شده در محدوده ٤ هزار دستگاه در سال در ۵ ساله گذشته ایفای تعهد شده است؟ آیا این تولیدات محقق شده؟ یا اینکه با تاخیر فراوان مصرف کننده مجبور به انصراف شده است؟ خدا می داند چون اطلاع رسانی ندیدیم. چطور کارخانه‌ای در سمنان که با ظرفیت خالی بیش از هشتاد درصد مواجه است به چه دلیل کارخانه دیگری را تصاحب می کند که در آنجا هم بیشتر از ۵ درصد از ظرفیت را نمی تواند پرکند؟ خبرنگار: یعنی معتقدید فرداموتور قدرت تولید خودرو ندارد؟ عظیمی: شرکت فردا موتور فاقد هرگونه خطوط تولید یا تجهیزات است. پس پروانه تولید به نام شرکت عظیم خودرو می‌باشد که شرکت فرداموتور نه تنها از تجهیزات و خطوط تولید بصورت غیرقانونی بهره‌برداری کرده بلکه از پروانه شرکت عظیم خودرو که تحت مسئولیت این شرکت می‌باشد نیز بهره برداری می نماید.

خبرنگار: آخرین وضعیت پرونده شما چگونه است؟ آیا تمام بدهی ها را پرداخت کردید؟ چقدر از حبس شما باقی مانده ؟ شاکی جدید ندارید؟ در سه ماه اول، شکایت موثری از این شرکت نشد اما به مرور و با توجه به سررسید شدن تعهدات و بلاتکلیفی و سردرگمی پرونده این شرکت طی چهار سال تا به امروز از ۳۸۰۰ مشتری باقیمانده ۱۸۰۰ نفر شکایت کیفری کردند و ۲۰۰۰ نفر اعتقادی به تخلفی در این قائله ندارند. پرونده این شرکت در چهار دادگاه در مراجع کیفری با قضات مختلف تشکیل که نظر ۳ دادگاه و قاضی محترم منجر به برائت و یک دادگاه منجر به محکومیت شد که آنهم با توجه به اثبات خلاف واقع و احکام صادره مورد اعاده قرار گرفته که لاجرم منتهی به بازنگری مجدد پرونده خواهد شد. شرکت عظیم‌خودرو خود را بدهکار احدی از مشتریان بابت پرداخت بجز افراد کمی که انصراف دادند نمی‌داند. زیرا در قرارداد مشارکت در تولید که حدود ۳۰ درصد آن از ناحیه مشتری‌ها پرداخت شده در هر زمان قابلیت ایفای تعهدات را دارد. خوشبختانه شرکت مادر خارجی معادل تعهدات ایفاد نشده قطعات موجود دارد که با رفع موانع با کمتر از دو ماه قطعات خودروهای موجود در گمرک ایران و چین به مرحله تولید رسیده و نهایتاً ظرف ۹ ماه تحویل خواهد شد. با توجه به شرایط فعلی بنده از محکوم به متهم تغییر شرایط پیدا کردم و محکومیتی ندارم و می‌بایست در دادگاه صالحه هم عرض پرونده مجددا مورد رسیدگی قرار گیرد. خبرنگار: درخواست ابطال قرارداد که به دادگاه ارائه کردید به کجا رسید؟ عظیمی: دادخواست ابطال در دادگاه تجدید نظر استان لرستان مطرح است که امیدی به آن نیست. چون رئیس دادگستری دستور خود را به تمامی ارکان قوه‌قضائیه استان لرستان به جهت جایگزینی شرکت فرداموتور به جای شرکت عظظیم خودرو قبل از هرگونه رسیدگی در دادگاه اعلام کرده، پس بنده و مشتریان نباید امیدی به این جریان داشته باشم. شما درخواست گفتگو با سران قوا کردید و معتقدید در تصرف کارخانه زاگرس و شرکت عظیم خورو رانت صوت گرفته آیا مستندات مستدل دارید؟ عظیمی: شکایات متعدد با مدرک به دادسرای کارکنان دولت و شکایت فروش مال غیر از وراث شریک سابق و شرکت فردا موتور مطرح شده است. همان قدرت فرا قانونی که از ابتدا توانست بدون یک ریال پرداختی، کارخانه‌ای با بیش از ٤ هزار میلیارد ارزش را از دم قسط با ارزش کمتر ۱۲۰۰ میلیارد تومان با قرارداد نامعلوم با افراد فاقد سمت قانونی کاملا تعجب انگیز تصاحب نماید را پیدا کنند مساله حل می شود.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گو با
غلامرضا تاجگردون نماینده دادوار مجلس

تاجگردون: عملا مجلس را حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر اداره می کنند

طرح ایجاد مجلس «سنا» ایران اسلامی می خواستند تلگرام و اینستا را به صدا و سیما بدهند

طرح برنامه محور شدن و انتخاب حرفه ای استانداران را موسوی لاری هوا کرد

در همه جای دنیا یک مجلس سنا وجود دارد که کار قانونگذاری و اصول و ریل گذاری و تصمیم گیری زیربنایی کشور برعهده اوست و مجلس نمایندگان هم به امور دیگر که خرد تر است می پردازند. این پیشنهاد را تمام مسئولان چه اصلاح طلب و اصولگرا قبول دارند اما قانون اساسی ما اجازه نمی دهد. حالا چرا نمی توانیم به قانون اساسی دست بزنیم؟ چون بخواهیم یک اصل را اضافه و حذف کنیم باید تمام قانون اصلاح شود.

غلامرضا تاجگردون پسرعمومی بهرام تاجگردون است، (که در مجلس اول و دوم نماینده مردم گچساران بود و نامش در لیست نجات یافتگان حادثه بمبگذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ دیده می شود.) غلامرضا تاجگردون را می توان از پرحاشیه ترین های اعضای پارلمان ایران نامید. وی که در کارنامه خود معاونت سازمان برنامه و بودجه کشور در دولت سید محمد خاتمی را دارد موفق شد در مجلس نهم و دهم (۸ سال) بعنوان نماینده مردم گچساران از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد در ساختمان هرمی بهارستان نمایندگی کند. اما پس از موفقیت در انتخابات مجلس یازدهم (مجلس اصولگرایان) از سوی علی اکبر کریمی، روح‌الله نجابت و علیرضا زاکانی به اتهام رانت خواری و کسب منافع اقتصادی و اعمال نفوذ شبکه‌ای از طرق مختلف در دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های تابعه و بخش عمومی اعتبارنامه اش زیر سوال رفت و با ورود معترضان جدید اعم از سیدنظام‌الدین موسوی، مالک شریعتی، احمد نادری، علی خضریان، مجتبی رضاخواه و اقبال شاکری در نهایت رد صلاحیت شد و با مجلس خداحافظی کرد. البته تاجگردون هیچ وقت اتهاماتش را نپذیرفت و به گفته خودش ناگفته هایی دارد که به وقتش خواهد گفت. دلیل گفتگوی ماهنامه «میدان آزادی» با غلامرضا تاجگردون تجربه او در سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی و همچنین مولف کتاب الگوی بودجه‌ریزی غیرمتمرکز در کشورهای غیرفدرال و تجربه او در سازمان برنامه و بودجه کشور بود تا در مورد خروج از حاشیه ها و بحران امروز جامعه به ارائه راهکاری درست برسیم.

***طرح برنامه محور شدن و انتخاب حرفه ای استانداران را موسوی لاری هوا کرد**

در این گفتگوی تحلیلی گریزی به ماجرای حذف سازمان برنامه و بودجه با دستور محمود احمدی نژاد در دولت دهم و نقاط ضعف سازمان برنامه و بودجه داشتیم که غلامرضا تاجگردون در مورد آن گفت: آقای احمدی نژاد به یک واقعیتی که خودمان قبولش داشتیم مواجه شد اما تصمیم اشتباه گرفت. در هرحال آقای احمدی نژاد هم استاندار بودند و هم تجربه شهرداری و حضور در دولت داشت و می دانست مشکل کجاست. یادم هست وقتی که در حال تدوین برنامه چهارم توسعه بودیم (آن زمان من معاون سازمان برنامه بودم) نظر من هم همین بود که رئیس سازمان مدیریت استان نباید صرفا و تزئینی معاون استاندار باشد بلکه باید با محور برنامه حرکت کند و ناظر بر اجرای برنامه ها باشد. آن زمان مدلی تعریف کردیم که استاندار فقط مدیر امنیت استان نباشد بلکه باید مجری برنامه های اقتصادی، فرهنگی استان هم باشد. یعنی اگر می خواهیم استانداری را منصوب کنیم باید او همراه با برنامه وارد هیات دولت شود و در این انتخاب سه شخصیت حقوقی یعنی وزیرکشور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیرمسکن و شهرسازی در معرفی استاندار به هیات دولت دخیل باشند. پس از انتصاب استاندار هم مدیرکل مسکن و شهرسازی استان و رئیس سازمان مدیریت معاونان استاندارناظر بر اجرای برنامه ها خواهند بود. آقای خاتمی (رئیس جمهور وقت) هم قبول کرد اما وزیرکشور (حجت‌الاسلام سید عبدالواحد موسوی لاری) گفت: اگر بخواهید این را در برنامه چهارم وارد کنید من استعفا می دهم. آقای احمدی نژاد این موضوع را می فهمید اما به جای این اقدام کلا سازمان را حذف کرد. غلامرضا تاجگردون معتقد است که محمود احمدی نژاد بعدا از حذف سازمان برنامه پشیمان شد اما دولت حسن روحانی با اینکه افتخار در احیای دوباره این سازمان را دارد آن را بد احیا کرد. تاجپردون می گوید: مشکل و چالش اساسی از اینجا آغاز می شود که ابتدا باید روشن کنیم بودجه ای که در مجلس تصویب می شود برای کیست؟ مثلا آیا رئیس جمهور یا رئیس سازمان برنامه کشور حق دارد در مورد بالا و پایین کردن بودجه وزارت دفاع اظهار نظر کند؟ قطعا خیر؛ خب می گوئیم این در مورد مسائل دفاعی و امنیت کشور است اما آیا رئیس جمهور و سازمان برنامه می تواند در مورد بودجه سازمان تبلیغات اسلامی، اوقاف، کمیته امداد، صدا و سیما و غیره اظهار نظر کند؟ پس عملا بخش زیادی از بودجه ریزی در اختیار دولت نیست. البته محمود احمدی نژاد یک سال در نگارش و تدوین بودجه ساختار شکنی کرد و بودجه حفاظت اطلاعات سپاه، سازمان تبلیغات و غیره را صفر کرد. مقصرهم خودش بود. مثلا بودجه حفاظت اطلاعات سپاه ۵ میلیارد بود و به ۲۰۰ میلیارد تومان افزایش دادو به نوعی بودجه را فربه کرد اما سال بعد صفر کرد. مجلس هم بودجه را برای اصلاح برگرداند. برای همین برخی تصمیمات حاکمیتی است و به منافع ملی مرتبط است.

***می خواستند صدا و سیما افسار مدیریت شبکه های اجتماعی را به دست بگیرد**

غلامرضا تاجگردون در بخشی از گفتگوی خود با ماهنامه «میدان آزادی» می گوید: روزهای آخر بررسی بودجه دولت بود و من بعنوان رئیس کمیسیون تلفیق مجلس نهم مشغول به کار بودم. بعد از غروب آفتاب آقایان علیرضا زاکانی، حجت الاسلام پژمانفر و ... وارد کمیسیون شدند و پیشنهاد دادند که مدیریت و صدور مجوز کانال های تلگرامی، واتس آپی، اینستا و غیره برعهده رسانه ملی باشد. پیش خودم گفتم با این قانون یک دفتر و دستک جدیدی ایجاد خواهد شد و آخرش رانت بزرگ اطلاعاتی و مالی به وجود می آید و گفتم برخلاف برنامه و قوانین بالادستی است. آقایان گفتند این تفسیر شما غلط است و حتی آقای دهقان معاون کمیسیون هم گفت بله غلط است. من هم بر اساس آیین نامه داخلی مجلس گفتم تفسیر رئیس فصل الخطاب است و نیاز به تفسیر و برداشت شما نیست. در هرحال این ماجرا جمع شد.

***نماینده مجلس حق ندارد در امور ریز دولت دخالت کند**

غلامرضا تاجگردون معتقد است که باید تغییراتی در قانون اساسی و ترکیب مجلس شورای اسلامی شکل بگیرد و بودجه کشور سطح بندی شود. او می گوید: من بعنوان نماینده مجلس حق ندارم در امور ریزدولت دخالت کنم. اما امروز من دارم در مدرسه و بهداشت و غیره هم دخالت می کنم. و همین موجب ایجاد داستان استیضاح ها می شود چون دعوا سر دوزار و ده شاهی است. بنابراین باید تکلیف رئیس جمهور مشخص شود و کشور دارای دو پارلمان تصمیم گیری خرد و کلان باشد. وقتی مجلس ما در تمام امور دخالت می کند به مشکل بر می خورد. مگر مجلس نهم با دولت احمدی نژاد همسو نبود پس چرا استیضاح شد؟ بنابراین باید مجلس ما هم سطح بندی شود.

***مجلس سنا و مجلس نمایندگان نیاز داریم**

در همه جای دنیا یک مجلس سنا وجود دارد که کار قانونگذاری و اصول و ریل گذاری و تصمیم گیری زیربنایی کشور برعهده اوست و مجلس نمایندگان هم به امور دیگر که خرد تر است می پردازند. این پیشنهاد را تمام مسئولان چه اصلاح طلب و اصولگرا قبول دارند اما قانون اساسی ما اجازه نمی دهد. حالا چرا نمی توانیم به قانون اساسی دست بزنیم؟ چون بخواهیم یک اصل را اضافه و حذف کنیم باید تمام قانون اصلاح شود.

*** عملا مجلس را حدود ۳۰ تا ٤٠ نفر اداره می کنند**

خبرنگار: آقای تاجگردون جدای از بحث ایجاد مجلسین ما مشکل ورود نمایندگانی بعضا کم تجربه و بدون بینش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داریم و الا اگر مجلس موجود افراد متخصص بودند بازهم قابل تحمل بود و کشور هرچند کند اما دیگر در برخی امور عقبگرد نمی کرد؟! مثلا آقای ... و ... واقعا کجا بودند یک مرتبه سر از مجلس ایران در آوردند؟ تاجگردون: شما نام دو نفر را بردید که به نظر من بازهم خوب هستند. ما افرادی داریم که اصلا ...؛ عملا مجلس را حدود ۳۰ تا ٤٠ نفر اداره می کنند و الباقی سرشان گرم کار و اموراتشان است. به اعتقادمن شما پروفسور هم وارد مجلس کنید آن هم گرفتار رای دهندگانش است. بنابراین باید اصول درست شود.

خبرنگار: چند درصد آرای نمایندگان ناشی از رفتار سیاسی آنهاست؟ تاجگردون: در دو سال اول آرای برگرفته از تاثیر سیاسی است اما بعدا وقتی متوجه می شوند مستقل خواهند شد. خبرنگار: آیا شما موافق آرای شفاف هستید؟ تاجگردون: بله به شرطی که شورای نگهبان، خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر مراجع‌عالی ها و هیات دولت هم باید اعلام و پخش شود. اما دنیا اینطور نیست چون همه چیز اصولی است.

*** اکثر مشاوران نمایندگان مجلس اقوام، آشنایان و دوستان نماینده هستند**

خبرنگار: در هر حال ساختار فعلا همین است و نمی شود کاری کرد. اما همان فردی هم که وارد مجلس می شود اگر مشاوران خوبی داشته باشد موفق است. یکی از بازوان قوی در مجلس مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی است که می تواند به نمایندگان در تمامی امور نظر مشورتی دهد. آیا چنین است؟ تاجگردون: نمایندگان منطقی و دغدغه مند معمولا بر اساس مجوزی که دارند می توانند ۵ مشاور متخصص انتخاب کرده تا کنارشان باشند. اما همه اینطور نیستند. اگر بروید لیست مشاوران نمایندگان مجلس را بگیرید متوجه می شوید که اکثر مشاوران اقوام، آشنایان و دوستان نماینده مجلس هستند. و آیا واقعا سرکار حاضر هستند یا سرماه فقط حقوق می گیرند؟ اکثرا هم همسرانشان هستند. البته مرکز پژوهش ها در بخش کارشناسی حرفه ای هستند اما در بخش ارائه گزارش ها ناگهان سیاسی می شود. مثلا آقای زاکانی چقدر در مورد پژوهش دارای بینش و عملکرد بود؟ واقعا مدیران خوبی نداشتیم. البته آقای احمد توکلی بهتر از الباقی بود.

***گفتند به قالیباف اعتماد نداریم و رئیسی را انتخاب کردند**

خبرنگار: آقای علی لاریجانی را امروز نسبت به ٤ سال قبل چطور می بینید؟ آقای روحانی چطور؟ بازهم معتقدید لاریجانی برای مجلس بیاید؟ تاجگردون: افراد تغییر می کنند. مگر آقای احمدی نژاد همان احمدی نژاد ۸۸ است؟ مگر علی لاریجانی با لاریجانی صدا و سیما یکی بود؟ قطعا افراد در طول مسئولیت و مواجهه با بحران ها و شکست ها تغییر می کنند. روزی که قالیباف رئیس مجلس شد گفتم پیش بینی می کنم بعد از ٤ سال شما چه نگاه و دیدگاهی خواهید داشت همانطور که در مورد آقای عارف هم همین را گفتم. چرا که مجلس نه جای شما است و نه جای آقای عارف ...! آقای قالیباف مدیراجرایی خوب کشور است. من دور دوم انتخابات ریاست جمهوری به آقای نادران و توکلی گفتم: شما دارید اشتباه می کنید. رئیسی گزینه خوبی نیست قالیباف را انتخاب کنید. هر دوی آنها گفتند که به قالیباف اعتماد نداریم و به ما خیانت می کند

نفوذ موجب شد تا قانون حذف ربا از بانک ها تصویب نشود

یکشنبه سیاه علی لاریجانی را شکست

و آدم ... نیست. آقای لاریجانی هم مرد مجلس است اما آقای روحانی نه به درد مجلس نمی خورد. مثلا اگر عارف رئیس سازمان برنامه بود خیلی بهتر از مجلس بود.

خبرنگار: شما موضوع تشکیل مجلس سنا و اصلاح قانون اساسی را بهترین راهکار برای خروج از بحران های حال حاضر و آینده عنوان کردید. آیا تفسیر آقای قالیباف از حکمرانی نو هم همین است؟ تاجگردون: آقای قالیباف نظریه پرداز نیست و اطرافیانش هم همین طور هستند. او فقط یک سخنی را به زبان آورده تا فرار رو به جلو داشته باشد.

***علی لاریجانی در یکشنبه سیاه بزرگترین ضربه سیاسی را خورد**

خبرنگار: شما در مجلس در جریان یکشنبه سیاه حضور داشتید؛ آیا لاریجانی رسما مغلوب شد؟ در دولت محمود احمدی نژاد آقای شیخ الاسلام (وزیرکار) را دعوت کردیم تا در مورد پرونده سعیدمرتضوی مدیرعامل تامین اجتماعی گفتگو کنیم تا او را برکنار کند. آقای وزیر رفتند و آقای احمدی نژاد گفتند نه ... برکنار نمی کنیم و بگذارید استیضاح کنند و ما هم استیضاح را با ۲۸ امضا تقدیم کردیم. احمدی نژاد فردی بود که هر کاری می کرد با برنامه بود. تصور می کنم آقای رئیس جمهور لیست استیضاح کنندگان را دیده بودند و متوجه شدند که نمی توانند خیلی از این آقایان را راضی کنند و مجبور شدند به استیضاح تن دهند. اما در نهایت با دست پر به مجلس آمد و آن یکشنبه سیاه را پدیدآورد و از طریق پخش فیلم بحث ارتباط برادر علی لاریجانی با سعید مرتضوی را رسانه ای کرد. به اعتقاد من علی لاریجانی بزرگترین ضربه سیاسی را خورد و هنوز او سر این ماجرا سرپا نشده است.

***نفوذ موجب شد تا قانون حذف ربا از بانک ها تصویب نشود**

خبرنگار: در ماجرای طرح خارج کردن ربا از سیستم بانکی شما یکی از طراحان آن بودید و پرونده تامجمع تشخیص مصلحت نظام هم رفت. چرا متوقف شد؟ مگر می شود در کشوری اسلامی همه مدافع ربا در بانکداری باشند؟ تاجگردون: این طرح به صورت آبکی تصویب شد و آن چیزی که ما نوشتیم و مراجع تائید کرده بودند تصویب نشد. متاسفانه در مجمع مصلحت اندیشی شد. صبح آن روز رفتیم قبل از ورود به صحن مجمع به جلسه کارشناسی رفتیم که دو مدیر بانک خصوصی نشسته بودند! گفتم شما اینجا چکار می کنید؟ اصلا ربطی به شما ندارد چون بحث مصلحت مردم است و من هم نماینده مردم هستم در حالی که شما نماینده دو بانکی هستید که آقایان خاص سهامدار آن هستند. در هر حال نوبت به ما رسید و به جلسه مجمع رفتم و صندلی کنار آقای احمدی نژاد نشستم. ایشان گفت: آقای تاجگردون این رای نمی آورد! گفتم نه رای می آورد. احمدی نژاد گفت: ببین آقای تاجگردون وقتی این ٤ نفر روبروی من مخالف باشند رای نمی آورد و در نهایت هم رای نیاورد. آیت الله آملی لاریجانی رئیس مجمع گفت زشت است که مجلس می خواهد ربا را از بانک رها کند و مجمع رای نمی دهد. خلاصه گفتند طرح را کمی تغییر دهید. و در نهایت نتیجه همین قوانین موجود است و بانک ها همچنان ربا می دهند.

***رئیسی به طرح بازپس گیری زمین های رایگان به افراد و نهادها مخالفت کرد**

در ماجرای طرح بازپس گیری زمین های دولت و عمومی از آقایان هم همین داستان تکرار شد. بعد از یک سال مطالعه و بررسی و پیگیری طرحی نوشتیم که هرکس زمینی از دولت و نهادی به هر شکلی رایگان گرفته بازپس گرفته شود. علی لاریجانی تلاش داشت این طرح تصویب نشود اما مطمئن بودم ۹۰ درصد رای می آورد. در مجلس گفتم نمی شود طرف به اسم حقیقی و حقوقی زمینی بگیرد تحت عنوان طرح فلان و بعد از چند وقت سوله ایجاد کند و تابلو مجتمع فرهنگی یا ورزشی، حوزه علمیه و غیره بزند. این باید جمع شود یا پولش را به دولت بدهد. بالاخره تصویب شد و رفتیم شورای نگهبان و گفتند رای نمی آورد. بعد رفتم مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع را مطرح کردم و دو نفر آقایان (سید ابراهیم رئیسی و احمد توکلی) حمایت کردند. آن روز علی لاریجانی در جلسه نبود و اعلام کردند آقای لاریجانی تماس گرفتند و گفتند این طرح مورد نظر ما نیست. من با تعجب گفتم: آقای لاریجانی یک نماینده مجلس است و یک رای دارد و من اینجا بعنوان رئیس کمیسیون از سوی مجلس آمده ام. جالب اینکه رئیسی و توکلی هم رای مخالف دادند.

***سود حساب شخصی رئیس قوه قضائیه سالانه ۷۰۰ میلیارد تومان بود**

خبرنگار: تعدد قوانین در مجلس موجب بهم ریختگی اجرای قوانین به ویژه احکام قضات می شود. کارخوب تنقیح قوانین آغاز شده بود که متوقف شد. چرا؟ تاجگردون: در زمان معاونت قوانین آقای امیدوار رضایی تنقیح قوانین مجلس قوت گرفت و قوانین متعارض را احصا کرده و تنقیح می کردند. پیشنهاد من این است که مرکز پژوهشها روی تنقیح قوانین متمرکز شود و مجلس بعدی دو سال از کار خود را صرفا روی این موضوع متمرکز کند. مثلا از سال ۱۳۸۰ تاکنون موضوع احکام دائمی برنامه را داریم و هیچ وقت درست نشد. یا در مورد همین حساب شخصی رئیس قوه قضائیه که رسانه ای هم شد. خب ما در قانون چنین چیزی نداریم که پول های واریزی مردم برای وثیقه ها به حساب شخصی رئیس قوه قضائیه واریز شود و اینکه سود این حساب چه می شود؟ با ایشان صحبت کردیم که بودجه دیگری می دهیم این حساب را تعیین تکلیف کنید اما آیت الله آملی رئیس قوه قضائیه گفتند که اذن گرفتم و با همین دستور نمی شد کاری کرد. با این اذن این پول سپرده گذاری می شد و سود آن صرف امور عمرانی می شد اما در قوانین نبود. یادم هست دفتر آقای علی لاریجانی بودم که داشتند با اخوی صحبت می کردند که گوشی را دست من دادند و من هم صحبت کردم و ایشان گفتند که روش ما همین است. فکر می کنم سود آن سالانه در آن زمان حدود ۷۰۰ میلیارد تومان بود.

***جنتی خبرنداشت برخی آقایان از بودجه سهم دارند**

خبرنگار: البته فقط پول های بی قاعده در کشور چالش نیست برخی پول ها هم با قاعده توزیع می شود. در زمان آقای خاتمی هم بود؟ تاجگردون: بله آن زمان در سازمان برنامه و بودجه جدول ۹ ایجاد کردیم و تمامی موسسات اینطوری را آنجا متمرکز کردیم که بعدا شد جدول ۱۷ که با قاعده باشد. دولت آقای احمدی نژاد و مجلس هفتم و هشتم این جدول از ٦ ردیف به ۳۰۰ ردیف رسید. فرقی هم ندارد که اصولگرا باشید یا اصولگرا همه در جدول بودند. خوشبختانه بیشتر آنها حذف شد. مثلا چرا باید رسانه های حکومتی و دولتی باید از دولت بودجه بگیرند؟ مثلا روحانی قطعا نمی دانست فارس و تسنیم و مهر از دولت پول می گیرند. یادم هست یک روز خدمت آیت الله جنتی در شورای نگهبان بودم من را صدا زد و گفت: آقای تاجگردون راست است این ردیف بودجه برای آقای فلانی است؟ گفتم بله ... گفت: این چی برای آقای دیگر است؟ گفتم بله ... گفت یعنی از دولت پول می گیرند؟ گفتم بله! گفتم آقای جنتی همه ردیف دارند به جز خودتان ... ایشان گفتند: این ها را بزنید و دوسال طول کشید و ما حذف کردیم. خبرنگار: ما در دعوت مردم به انتخابات پیش رو با چالش روبرو خواهیم شد. راهکارهای زیادی ارائه شده شما چه راهکاری دارید؟ تاجگردون: بله برخی می گویند شکستن حصر تاثیر دارد. اتفاقا اشتباه است. خود آقای کروبی و میرحسین وسط میدان انقلاب مردم را دعوت به انتخابات کنند هیچکس نمی آید. زمان تغییرات زیادی به همراه دارد. ما باید افراد شاخص که ادوار مجلس را گلچین کنیم و دعوت کنیم تا دوباره ورود کنند. قطعا افرادی مثل آقای افروغ و سایرین را می شود راضی کرد. مردم باید تغییر در افکار را ببینند. قطعا نسخه امروز در دست جامعه شناسان و روانشناسان است. و از این دست نخبگان کم نداریم.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

۴۳ متهم پرونده فساد در شهرداری کهریزک به بیش از ۱۰ سال زندان محکوم شدند

بررسی ۳۰۰۰ پرونده اتباع افغان در دادگاه کهریزک!

گفت و گو با
ناصر پیرسرایی رئیس دادگستری بخش کهریزک

ناصر پیرسرایی رئیس دادگستری بخش کهریزک در مورد پرونده فساد در شهرداری کهریزک می گوید: رای این پرونده اواخر شهریور ماه امسال صادر شد و پرونده در دادگاه تجدیدنظر تهران است. در این پرونده ٤۳ نفر به بیش از ۱۰ سال زندان و انفصال از خدمت و رد مال تا ۲۰۰ میلیارد تومان محکوم شدند. پیرسرایی در مورد پرونده فساد در شهرداری باقرشهر گفت: درخصوص پرونده شهرداری باقرشهر به علت تعدد حوزه های جرم مجبور به ارجاع به کارشناسان شدیم که در موارد شهرسازی، حسابرسی، بازرگانی، بانکداری، کشاورزی و راه و ساختمان در حال بررسی پرونده هستیم. به علت حجم زیاد پرونده رسیدگی به آن چندماه نیاز به بررسی دارد و فعلا در مرحله تحقیقات است. رئیس دادگستری بخش کهریزک در مورد اخبار منتشر شده مبنی بر انتشار گاز متان از مجتمع زباله های آرادکوه در منطقه کهریزک و ورود دادگاه گفت: طبق ماده ٦۸۸ ابتدا باید محیط زیست ورود کند. نامه درخواست اقدام به محیط زیست ارسال کردکوه و منتظر پاسخ از سوی آنها هستیم. نامه دیگری در مورد اینکه آیا آلودگی آرادکوه همچنان ادامه دارد یا خیر؟ ارسال شده که هنوز پاسخی دریافت نکرده ایم. یکی از مهمترین اخبار در جنوب تهران مرتبط با دستگیری دو عضو اصلی هیات مدیره تعاونی مسکن شهرداری باقرشهر بود که پیرسرایی در مورد این پرونده گفت: در این پرونده دو نفر بازداشت شدند و احتمال می دهیم افراد دیگری هم دخالت داشته باشند. این پرونده هم در ابتدا کارشناسی شد و بعد متهمین احضار و تفهیم اتهام شدند. در برخی موضوعات پرونده مثل کسری ۱۰۰ میلیارد تومان تحقیقات و بازجویی مقدماتی انجام شد و هنوز ادامه دارد. متهمان هم تاتکمیل تحقیقات بازداشت موقت هستند. پیرسرایی به جرائم اتباع در حوزه بخش کهریزک گفت: سال گذشته بیش از ۳۰۰۰ پرونده درباره دعاوی خانوادگی و کیفری اتباع تشکیل شد. البته در مواردی مثل طلاق مکلف هستیم براساس قوانین آنها رسیدگی کنیم. وی در پاسخ به اینکه مردم از ساخت و سازهای غیرمجاز بسیار گله دارند. در این موضوع چه اقداماتی انجام شده است؟ گفت: بله مردم حق دارند اما در این موارد ضعف قانونی وجود دارد. از ابتدای سال تا کنون حدود ۱٦۰ پرونده مربوط به ساخت و ساز غیر مجاز در مناطق تغییر کاربری شده طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ رسیدگی شده است. با توجه به وسعت شهرستان ری و مشکلات جهاد کشاورزی، رسیدگی به این نوع جرائم هم به علت کمبود امکانات هم پرسنل بسیار دشوار است. دستور تخریب در ماده ۱۰۰ با قاطعیت و سرعت همراه نیست و اگر مثل همان ماده ۲ به آن اضافه شود می توان تخریب را در همان مراحل ابتدایی انجام داد. طبق این ماده فقط امکان ممانعت از ساخت و ساز وجود دارد و چگونگی این جلوگیری مشخص نشده است. تنها کاری که می توان انجام داد مصادره وسایل کار ساخت و ساز است که اغلب با شکایت صاحب ملک و یا مقاومت از سوی سازنده مواجه می شود. مثلا از زمانی که شروع ساخت و ساز به ظهور می رسد پروسه زمان بری طی می شود تا اقدام انجام شود. در ابتدا به سازنده در دو مرحله اخطارداده می شود پس از بی توجهی او گزارش به کمیسیون ماده ۱۰۰ می رسد. جلسه رسیدگی برگزار شود. حتی اگر دستور تخریب صادر شود. زمان برای تجدیدنظرخواهی و ارجاع به دیوان درنظر گرفته می شود و همه اینها جلو تخریب را می گیرد و دست قانون و شهرداری را در این موارد بسته است. وی در مورد برخورد با مافیای پلاستیک هم گفت: در موضوع مافیای پلاستیک قرار شد از آخر دیماه منطقه ای در آرادکوه مشخص شود تا تمامی افرادی که اقدام به تفکیک و بازتولید ضایعات پلاستیک در روستاهای اطراف می کنند به این منطقه نقل مکان کنند.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گو با
علیرضا افشار یار سابازرس نمونه ری

بازرس نمونه: چون با مافیا هماهنگ نبودم؛ اجازه ندادند بازرس بمانم!

هزاران میلیارد فساد کشف کردم روز انتخابات عقب خودروها دلار و تراول بود

گفتگو با کباب فروشی که بازرس ضدفساد در جنوب تهران شد اما حمایت نشد!

یکی از کاندیداها پیشنهاد رشوه یک میلیاردی به من و خبرنگار ضدفساد داد که قبول نکردیم. ما در روز انتخابات خودروهای مملو از پول نقد و دلار پیدا کردیم. پول و دلار می دادند و رای می خریدند.

به فرماندار و رئیس اتاق گفتم رفتن با عزت بهتر از ماندن با ذلت است

شاید تصورش دور از ذهن باشد که جوان ۳۲ ساله ای که هر روز پشت دخل قدیمی ترین کبابی شهرری (تاسیس ۱۳۲۲) جنب درب ورود حرم سید الکریم(ع) پاسخگوی زائران است معروف ترین چهره تاثیر گذار سال ۱۴۰۰ در شهرستان ری باشد. جوانی که هنوز وارد میانسالی نشده اما بیش از ۳۷۵ پرونده فساد و تخلف در حوزه حفظ حقوق عامه را کشف یا پیگیری و بررسی کرده و مجموع پرونده های کشف و بررسی شده از سوی او و تیمش در اتاق اصناف شهرستان ری بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومان ارزش داشته است. علیرضا افشار پارسا را می توانید هر روز ساعاتی در کبابی افشار در بازارنو شهرری ببینید اما کارنامه پررنگ او بعنوان بازرس نمونه اتاق اصناف شهرستان ری در سال ۱۴۰۰، بازرس ضدفساد بخشداری کهریزک در انتخابات گذشته و بیش از ۴۰ تقدیرنامه مکتوب از سوی افراد، شخصیت ها و نهادها (محمدساری معاون وقت دادگستری کهریزک، نهادهای امنیتی، بخشداری کهریزک، اداره صمت و غیره ...) از او بعنوان سالم ترین و حرفه ای ترین بازرس شهرستان نام برده می شود. در گفتگوی کوتاه با بازرس نمونه شهرستان ری در محل کبابی افشار بخش هایی از کشفیات و بازرسی های بزرگ او را بازگو کردیم. خبرنگار: یکی از بزرگترین پرونده های کشف موادغذایی فاسد موضوع گوشت های آلوده بود که سر و صدای زیادی هم به همراه داشت. داستان از چه قرار بود؟ افشار: بله درست است؛ یکی از مهمترین کشفیاتی که داشتم پرونده ۶۹ تن گوشت وارداتی آلوده بود که تاریخ انقضای گوشت ها بیش از یک سال منقضی شده بود. داستان از این قرار است که در یکی از بازرسی ها به صد کیلو گوشت مشکوک به فساد برخوردیم و ردآن را تا ٤ روز دنبال کردیم. پس از پیگیری ها متوجه شدیم این گوشت ها که از شرکت پشتیبانی دام تحویل گرفته شده بود تا در صنعت تولید سوسیس و کالباس استفاده شود در یکی از سردخانه های زیرزمینی در یک انبار متروکه به مدت هشت ماه نگهداری می شد. نکته قابل تاسف آن بود که این گوشت های منجمد را ری پک (تغییر جعلی و غیرقانونی تاریخ تولید و انقضا) می کردند و با تغییر تاریخ تولید و انقضا در بازار توزیع می کردند. خوشبختانه با ورود قاضی محمدساری معاون وقت دادگستری کهریزک متهمان دستگیر و محکوم شدند. ناگفته نماند که وقتی انبار و سردخانه را کشف کردیم به ما پیشنهاد (من و بازرس فرمانداری) ۸۰۰ میلیون تومان پیشنهاد رشوه هم دادند. اما نکته جالب آن بود که در همین مسیر پرونده از طریق مدارک کشف شده در یکی از خودروهای یخچال دار به انبار احتکار ۲۸ تن گوشت دیگر رسیدیم که تاریخ مصرف آن پایان یافته بود. بعد از کشف با دستور قاضی و نظارت آقای هیودی نماینده وقت دادستان ری گوشت ها معدوم شد. خبرنگار: پرونده دیگری که مرتبط با سلامت جامعه بود داشتید؟ افشار: کشف و توقیف انبار و کارگاه زیرزمینی و غیربهداشتی تولیدبیش از ٤٦٠ هزار قلم شامل مواد مصرفی پیراپزشکی و اتاق عمل و کشف ۷۰۰ قهوه خانه زیرزمینی و پلمپ ۱۷۰ قهوه خانه و همچنین کشف انبار و کارگاه تولید داروهای قلابی و فروش آنها با برندهای خارجی و کشف انبار دپوی نوشابه های تاریخ مصرف گذشته و تغییر تاریخ تولید و انقضا و توزیع غیرقانونی آنها از سوی سودجویان در بازار از مهمترین کشفیات و پرونده هایم بوده است. من یک دفترچه سیمی دارم که تمامی کشفیاتم را با ذکر تاریخ، حجم، میزان و عکس ثبت کرده ام که اگر بخواهم همه را بازگو کنم ۱۰۰ صفحه می شود. اما در یکی از پرونده ها طی اخباری که به اتاق اصناف مخابره شد اعلام کردند قیمت روغن افزایش می یابد. همین خبر موجب گران شدن و کمبود روغن شده بود. ما هم بعنوان بازرس اتاق اصناف شهرستان بازرسی ها را آغاز کردیم تا به یک انبار دپوی روغن مایع رسیدیم. در این انبار ۹۰ تن روغن کشف و توقیف شد. پس از این اقدام به فروشگاه هایی در سطح شهر رسیدیم که آنها هم روغن ها را احتکار کرده بودند. میزان کشفیات به نحوی بود که وقتی دستور قاضی برای توزیع روغن های کشف شده صادر شد قیمت روغن در بازار کاهش ۳۰ درصدی یافت. در برخی از این پرونده ها مختلفان پیشنهاد رشوه و چشم پوشی می دادند. خبرنگار: چرا تخلف و فساد در انبارهای کهریزک زیاد است؟ افشار: ابتدا دلیلش گستردگی و پراکندگی انبارها و کارگاه های زیرزمینی در وسیع ترین بخش جنوب تهران است. دوم آنکه بسیاری از این انبارها مجوز ندارند و برخی هم فاقد دوربین مداربسته هستند. حتی اگر دوربین مداربسته هم برای تمام انبارها نصب شود مشکل اصلی عدم اتصال و دسترسی آن لاین دوربین ها به پلیس امنیت اقتصادی، دادسرا و نهادهای مرتبط مانند اطلاعات است. در حالی که باید هر ثانیه آمار ورود و خروج به انبارهای کشور رصد شود و همین عدم دسترسی ها موجب بروز فساد گسترده شده است. همچنین بازرسان اصناف و بخشداری و فرمانداری از نظر کمیت و کیفیت تعدادشان کم و محدود است برای همین این منطقه را به بهشت قاچاقچیان و متخلفان تبدیل کرده است. خبرنگار: اقدام شما بعنوان بازرس ویژه اتاق اصناف شهرستان ری در مورد چالش های انبارهای زیرزمینی چه بود؟ افشار: جلسات زیادی برگزار شد و گزارش های زیادی را تقدیم (لطف الله ستاره) رئیس وقت اتاق اصناف، قاضی ساری و آقای جلال زاده از دادستانی ری کردم و با کمک آنها تیم ویژه ای تشکیل شد که شامل بازرسی اتاق اصناف، دادستانی تهران، پلیس امنیت اقتصادی شهرستان ری، دادگاه کهریزک و فرمانداری ری بودند که توانستیم ۷۰۰ انبار غیرقانونی را شناسایی، ساماندهی و ثبت در سیستم صدور پروانه اتحادیه انبارداران کنیم. خبرنگار: شما با این حجم از بازرسی ها قطعاً اگر فرد ناسالمی بودید وضعیت مالی خوبی داشتید چون همیشه درخواست رشوه روی میز است. درست است؟ افشار: الحمدلله مشکل مالی ندارم و اگر هم داشته باشم پدربزرگ و پدرم و خانواده ام من را طوری تربیت کردند که لقمه حرام نخورم و با عزت زندگی کنم. البته افراد سودجو و دلال و متخلف وقتی که از دادن رشوه به من مایوس شدند تخریب ها علیه من را آغاز کردند. از برچسب فساد اخلاقی و فساد مالی تا حمله به پارکینگ خانه و تخریب وسیله نقلیه ام. چند باری هم مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفتم که برخی رسانه ای شده است. خبرنگار: احتمالا میان منتقدان یا همان دشمنان شما کارمندان یا مدیران دولتی هم هستند؟ افشار: {لبخند می زند و سکوت می کند} خبرنگار: مورد سوء قصد هم قرار گرفتید؟ افشار: خدا کمک کرده و خطر چند باری از بیخ گوشم گذشته است. اما در یکی از بازرسی ها قاچاق برها با خودروهای شوتی به من و آقای جلال زاده معاون دادستان ری حمله کردند و من از ناحیه دست دچار شکستگی شدید شدم و چند هفته در بیمارستان بستری بودم. چند باری هم با قمه حمله کردند و فرار کردم و یک بار هم وارد خانه من شدند و وسیله نقلیه من را از بین بردند. خبرنگار: احتمالا فرماندار وقت {حسین توکلی} با دسته گل و لوح تقدیر و هدایا سنگ تمام گذاشت؟ افشار: بله واقعا شرمنده کردند. به دلیل همین فعالیت ها مانع کار من شدند. با این حال من به آقای فرماندار (حسین توکلی) که نمی خواست فعالیت حرفه ای و ضدفساد داشته باشم گفتم که رفتن با عزت بهتر از ماندن با ذلت است. خبرنگار: بعد از اتاق اصناف مدتی بازرس ویژه بخشداری کهریزک بودید که آن واقعه فساد در انتخابات رخ داد. روایت می کنید؟ افشار: در انتخابات ۱۴۰۰ بعنوان بازرس بخشداری کهریزک مشاهده کردم در سطح گسترده ای رای برای گروهی از کاندیداهای شورای شهر کهریزک و باقرشهر ۳۰۰ هزارتومان در روز روشن خرید و فروش می شود. به سرعت با قاضی محمدساری معاون وقت دادگستری کهریزک و سید هادی کسایی زاده خبرنگار تماس گرفتم و تا ساعت ۱۲ شب توانستیم ۱۱۰ متهم را شناسایی و دستگیر کنیم. در فیلم هایی که این خبرنگار گرفته مشخص است که با حکم قضایی وارد خانه ای شدیم و از درون خانه چند کیسه شناسنامه پیدا کردیم. این اقدامات و رسانه ای شدن فساد موجب شد تا انتخابات باقرشهر و کهریزک ابطال شود. جالب تر آنکه روز بعد من را دعوت کردند به یک اداره دولتی و من تصور کردم که قرار است از من به دلیل کشف فساد انتخاباتی و کتک خوردنم توسط دلالان انتخابات تشکر کنند. اما به من گفتند شما شهر را بهم ریختید و دیگر نباید بازرس باشید. چند روز بعد هم خبرنگار ضدفساد را دستگیر کردند و از هم جالب تر آنکه قاضی پرونده به طرز مشکوکی از کهریزک منتقل شد. این نحوه مبارزه با فساد در دوره فرمانداری حسین توکلی کجائی بسیار بسیار تاسف بار است و من نمی دانم چرا دستگاه های نظارتی و امنیتی برخورد جدی نکردند. مثلا وقتی قاضی محمد ساری می خواست با حکم دادگاه صندوق آرا را بازشماری کند فرماندار اجازه نداد. آیا این درست است؟ اگر صندوق ها بازشماری می شد فاجعه فساد در انتخابات افشا می شد و خیلی از افراد اجرایی صندوق ها باید پاسخگو می شدند. اما باید بگویم که گزارش و فیلم های خبرنگار هم بسیار اهمیت داشت و همان ها را به دادستان کل کشور دادیم. خبرنگار: کاندیداهای فاسد پیشنهاد رشوه هم دادند که دست از سرشان بردارید؟ افشار: یکی از کاندیداها پیشنهاد رشوه یک میلیاردی به من و خبرنگار ضدفساد (کسایی زاده) داد که قبول نکردیم. ما در روز انتخابات خودروهای مملو از پول نقد و دلار پیدا کردیم. پول و دلار می دادند و رای می خریدند. پدربزرگم می گفت: روز قیامت همین دنیاست و باید جواب بدهید. من نمی دانم چطور برخی مدیرانمان چنین لقمه هایی را سر سفره زن و بچه هایشان می برند. خبرنگار: در مدت فعالیتتان بعنوان بازرس با قضات زیادی همکاری داشتید. قاضی مردمی و حرفه ای که می خواهید از آنها تشکر کنید می شناسید؟ افشار: با قضاتی که همکاری داشتم برخی در دادگاه بخش کهریزک و برخی هم در دادسرای ری فعال بودند. اما با آقای ساری معاون وقت دادگستری کهریزک، آقای جلال زاده معاون وقت دادستان ری و آقای جوادی بازپرس شعبه ۸ دادسرای شهرری بیشتر همکاری داشتم و همیشه برای منافع مردم پای کار بودند که از آنها تشکر می کنم. اما در کنار این عزیزان تشکر ویژه هم باید از اداره اطلاعات جنوب تهران داشته باشم که به اعتقاد من در مبارزه با فساد سازمان یافته عالی کار کرده است.

علیرضا افشار بازرس نمونه اتاق اصناف در سال ۱۴۰۰ در مورد خروجش از اتاق اصناف از سوی تیم جدید مدیریت گفت: آقای لطف الله ستاره رئیس اسبق اتاق اصناف به ما می گفت با هیچ فسادی مماشات نکنید اما بعد از ستاره با اینکه بازرس نمونه بودم گفتند جریمه و بگیر و بنند نداریم تا وقتی شکایتی نشده وارد نمی شویم. من هم قبول نکردم و از اتاق خارج شدم. و قبلش به آقای محسن کشاورز (رئیس اتاق اصناف فعلی ری) گفتم: رفتن با عزت خیلی بهتر از ماندن با ذلت است.

ماهنامه سراسری میدان آزادی
شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

گفت و گو با
امین بابایی بخشدار کهریزک

قبلا پیشنهاد ما برای اعلام شهرستان کهریزک ثبت شده است. اما با توجه به ثبت درخواست شهر آفتاب به عنوان یک شهرستان چالش هایی برای بخش ما ایجاد کرد. اگر درخواست شهر آفتاب قبول شود ما هم می توانیم به این درخواست خود دست یابیم. اگرچه که به سبب ساختار و ماهیت کهریزک، یک شهرستان هست و فقط اسم آن را ندارد. زیرساخت ها آماده است.

کهریزک توان تبدیل به منطقه آزاد تجاری را دارد

انبارهای ایران جاده ترانزیت شهرک صنعتی فرودگاه امام همه اینجاست!

امین بابایی، در حالی به ٤٣ سالگی وارد می شود که با مدرک تحصیلی مهندسی ژنتیک گیاهی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی از آذر ماه ۱۳۹۸ همچنان بعنوان بخشدار کهریزک مشغول به کار است. گفتگوی کوتاه با امین بابایی در حالی انجام می شود که بخش کهریزک با دو شهر باقرشهر و کهریزک و حدود ۵۰ روستا با چالش های زیادی دست و پنجه نرم می کند. چالش هایی که برای رفع آن حتی زور فرماندار ری و استاندار تهران هم نمی رسد و نیاز به تصمیم سران قوا دارد. خبرنگار: در صورت داشتن اختیارات چه برنامه ای برای خروج از بحران های این بخش اجرا می کردید؟ بابایی: ابتدایی ترین کار رفع حفره های قانونی بود که این حفره ها اجازه می دهد در حوزه مدیریت شهری افراد متخلف متنفع شوند. بعنوان مثال تغییر کاربری اراضی در حوزه محدوده شهری و حوزه حریم آنقدر چالش های حقوقی دارد که متخلفان با دور زدن قوانین دست ما را می بندند. خبرنگار: علی رغم قلع و قمع ساخت و سازها در بخش کهریزک شاهد دیوارکشی های بسیاری در باغات و مزارع هستیم. چرا بعد از تخریب ها دوباره تخلف می شود؟ بابایی: تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون، جهادکشاورزی را ملزم به نظارت و برخورد با متصرفان اراضی کشاورزی و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و حفظ اراضی کشاورزی کرده اما در عمل محقق نمی شود. بعنوان مثال تیم گشت مشترک تغییر کاربری را گزارش می کند و دادگاه حکم تخریب می دهد و ما هم تخریب می کنیم. اما بعد چه اتفاقی رخ می دهد؟ دیوارها فروریخته شده و نخاله ها روی زمین باقی می مانند. به دلیل عدم جمع آوری نخاله های ساختمانی فرد متصرف دوباره اقدام به ساخت می کند وطبق قانون اگر سه سال از ابقای ابنیه ساختمانی بگذرد دیگر جهاد نمی تواند آن را تخریب کند. بلکه موظف است جهت پیگیری به مراجع قضایی ارجاع شود. فرد هم بر اساس قانون اقدام به اخذ عوارض، اقدام درکمیسیون ماده ۹۰ و ... می کند. این یعنی اینکه قانون به طور کامل اجرا نمی شود و برای متصرفان روزنه باقی می گذارد. خبرنگار: ما در حاشیه جاده های روستایی در بخش کهریزک شاهد انبوهی از زباله های ساختمانی که بعضا از تهران سرازیر می شود هستیم. چه منع قانونی یا اجرایی برای پیشگیری از این تخلفات است؟ بابایی: نقص قانون نیست بلکه اشکالات حاکمیتی و نظارتی است. مثلا بخشی از محدوده راه ها به اداره راه و ترابری مرتبط است. که باید گشت های فعال داشته باشند. آن هم برای بخشی مثل کهریزک با وسعت ۳۵۰ کیلومترمربع که بخش عمده آن در حریم راه و ترابری جاده ای است. برای حل این معضل باید شاخص پایش تصویری را تقویت کرد که نصب دوربین های پلاک خوان و در کنار آن بکارگیری گشت ساختمانی را در نظر بگیریم و به راحتی می توان ماشین های حمل نخاله را پیگیری کرد. برای همین در یکی اقدامات مهمی که اجرایی شده با هدایت اداره کل اطلاعات جنوب تهران پروژه پایش تصویری در دو شهر باقرشهر و کهریزک در حال اجراست. تعدادی از روستاها هم تحت پوشش طرح قرار دارند. این پروژه با اعتبار حدود چند میلیارد تومان به بهره برداری رسیده است. اما ورودی و خروجی کمربندی ها اصولا حریم شهرو روستاها هستند که دوربین ها توسط شهرداری های مناطق قابل نصب است. ٪٤٠ این طرح در محدوده پیشرفت کرده و هر شهرداری، مرکز تصویربرداری و پایش خود را دارد. و یک اتاق اصلی داخل بخشداری وجود دارد. و دو شعبه اصلی دیگر در فرمانداری و اداره اطلاعات تجهیز می شوند. خبرنگار: با توجه به حجم بالای دپو و نگهداری و انبارداری در جنوب تهران چرا از ظرفیت کامل انبارها در کهریزک استفاده نمی شود؟ و چرا از این ترانزیت درآمدی برای کهریزک حاصل نمی شود؟ بابایی: در اصل ظرفیت انبارها موجب شده که کهریزک از نظر استراتژیک اهمیت منطقه ای بالایی داشته باشد و حتی به عنوان بندر خشک استان تهران نام گرفته است. ۱۲۹۶ انبار کالاهای اساسی تهران و حتی کشور دراین منطقه است. برای کنترل این انبارها سامانه رایانه ای توسط اتحادیه انبارداران و گمرک طراحی و اجرا شد. با این که کهریزک در مرکز مواصلات ۱۸ استان با تهران قراردارد اما براساس قانون عوارض انبارهایی که در محدوده شهرقراردارند توسط شهرها و شهرداری ها (دو شهرکهریزک و باقرشهر) دریافت می شود. البته خرابی های محدوده شهری هم برعهده شهرداری است اما در اصل تمام مشکلات بین شهری من جمله حوادث و خرابی های جاده و آسفالت که در حریم بخش قراردارد بر گردن بخشداری می افتد. خبرنگار: با توجه به حجم حمل و نقل کالا و انبارداری در بخش کهریزک می شود این منطقه را بعنوان منطقه آزاد تجاری پیشنهاد داد. آیا موثر خواهد بود؟ بابایی: اگر کهریزک منطقه آزاد اعلام شود منافع بسیاری شامل حال این شهرستان می شود که واقعا دراثر تداخلات مرزی دچار فقرو ضعف در بخشهایی شده است. حتی بخشدار به علت این مشکلات مرزی نمی تواند تغییر تحولات موضوعی اعمال کند. تا کنون هیچ اراده ای برای اجرای ماده ٤ تقسیمات کشوری و ماده ۲ قانون حریم و محدوده ها نبوده است. تداخل مرزی با مناطق ۲۰ و ۱۹ و مشکلات مدیریتی با سازمان بهشت زهرا(س) بخش دیگری از این چالش است. بخش کهریزک به دلیل حوزه اتصالات، ۳۵۰ هزار کیلومتر وسعت ۲۰۰هزار نفر جمعیت و ١٤ روستای مستقل و داشتن ظرفیت هایی چون پالایشگاه نفت تهران، مراکز سنگین تجاری و صنعتی و ۱۲۹٦ انبار و سوله و بسیاری مراکز خاص خدماتی دیگر، که در کنار همه این ها چالش ها و عوارض کلان شهری چون تهران را به دوش می کشد. مثل مجموعه آرادکوه و گورستان بزرگ و ... همه حاکی از قابلیت های آن به عنوان یک شهرستان را دارد. با وجود اینکه ظرفیت های آن بالاتر از چهار یا پنج شهرستان استان تهران است. اما چون از نظر تقسیمات کشوری در دل شهرستان ری قرار داده شده امکان جداسازی آن از این شهرستان را نداریم. شهرستان قدس فقط ١١٤ کیلومترمربع، یا ظرفیت شهرستان رباط کریم با سبقه تاریخی از کهریزک کمتراست. سابقه مدیریتی و تقسیمات بخش کهریزک به ۱۳۵۱ باز می گردد وگرنه گستره آن تا استان البرز بوده است. حتی مناطقی از شهرستان قدس، اسلامشهر و.. جزئی ازروستاهای کهریزک بودند. خبرنگار: آیا امکان مطالبه تقسیمات کشوری برای ایجاد شهرستان کهریزک وجود دارد؟ بابایی: قبلا پیشنهاد ما برای اعلام شهرستان کهریزک ثبت شده است. اما با توجه به ثبت درخواست شهر آفتاب به عنوان یک شهرستان مستقل چالش هایی برای بخش ما ایجاد شد. اگر درخواست شهرآفتاب قبول شود ما هم می توانیم به این درخواست خود دست یابیم. اگرچه که به سبب ساختار و ماهیت کهریزک، یک شهرستان هست و فقط اسم آن را ندارد. زیرساخت های موجود حتی جوابگوی این درخواست است. سایت اداری و اغلب حوزه ها به دلیل جمعیت بالا بخش نمایندگی و شعب خود را دایر کرده و پاسخگوی مردم هستند. خبرنگار: اسکان و زندگی جمع زیادی از اتباع غیرمجاز افغان در این بخش چالش های زیادی به همراه داشته است. چرا شما بخشی ازدارایی های بخش را، صرف تامین امکانات و خدمات برای اتباع (اغلب غیرمجاز) می کنید؟ بابایی: جایگاه بخشداری در حد نظارت است و اختیار دخالت در بسیاری امور را ندارد. مرزهای ما برای اتباع باز هستند. به خصوص پس از استقرار طالبان در افغانستان شاهد افزایش این جمعیت هستیم. ما یک نگاه آماری را در بحث مدرسه آغاز کردیم. با بررسی آمار مدارس دریافتیم ٪٤٠ ازتعداد کل ۳۳۱۷۹ دانش آموز در کهریزک، ۱۳۵۷ نفر اتباع هستند. که برخی فاقد شناسه جذبی یا اقامتی هستند. اما باید طبق دستورالعمل به آنها آموزش ارائه شود. و حتی کارگذاری های مربوط به اتباع و وزارت کشور هیچ تمکینی ازدستورالعمل هاندارند و هیچ آماری به ما ارائه نمی شود و پرداخت عوارض هم تنها توسط وزارت کشور صورت می گیرد. این جمعیت در آمار نفوس و مسکن ۱۳۹۵ به عنوان آمار مصرف کنند در سرانه های بخش محاسبه نمی شوند و فقط جمعیت ایرانی پایش می شوند. این جمعیت مصارف غذایی، درمانی و بهداشتی در دوران کرونا و دریافت واکسن را داشتند. در خانه های بهداشت بیشترین میزان مصرف قطره های ویتامین برای زنان باردار اتباع، عرضه شده است. با آگاهی کامل از تمام سرانه های درمانی منطقه ما استفاده می کنند اما هیچ آمار از نظر بار تحمیلی جمعیتی به منطقه وجود ندارد و در مقایسه جذب اعتبارات (مالیات بر ارزش افزوده املاک و دارایی و یا ردیف های خاص اعتباری) بسیار ناچیزاست. زیرا سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران صرفا براساس جمعیت ایرانی سرشماری شده برنامه ریزی می کند. قولنامه های مخفی، ازدواج ها و اشتغال و به تبع آن افزایش پرونده های قضایی از معضلات این وضعیت است. بیش از ۳۰۰۰ پرونده مربوط به اتباع وجود دارد. پس ازثبت آمار دانش آموزان اتباع به شکل خودکار و با یک ضرب ساده می توان (احتساب هر خانوار چهارنفره) دریافت حداقل چهل درصد جمعیت بخش کهریزک اتباع هستند. در برخی روستاها مثل سلمان آباد و کبیرآباد تمام ساکنان تقریبا ۹٦ درصد اتباع هستند. از جمعیت بیشتر روستاهای بخش هم بالای ٪۵۰ اتباع هستند. برای همین ترازجمعیت ایرانی و اتباع در روستاها در حال تغییر است و همین زنگ خطری در حوزه حاکمیتی است. خبرنگار: بخشداری میزبان دومین همایش «حکمرانی و مبانی تسهیلگری» بود البته باید گفت وقتی دهیار بدون تجربه، سواد و اطلاعات کافی مدیریت روستای ۵ تا ۱۰ هزار نفری را برعهده بگیرد این آموزش ها دردی دوا نمی کند و دهیارها را هم شما انتخاب نمی کنید! بابایی: در اجرای این همایش طبق اساسنامه و برنامه خاصی مشغول آموزش دادن به دهیاران هستیم تا آنها خدمات رفاهی و اقتصادی را به شکل تخصصی به مردم ارائه دهند. اگر این طرح به شکل حرفه ای و تخصصی به انجام برسد روستاها از ماهیت مصرف کننده به مولد تغییر یافته و می توانند حتی راه حلی برای مهاجرت معکوس باشند. این کار دیر اتفاق افتاد اما همین شروع قابل تحسین است. این کار از آنجا که سازمانی است شامل تغییرات ساختاری اداری می باشد و می تواند ضمانت اجرایی مناسبی هم داشته باشد. سازمان شوراها، همیاری ها و دهیاری ها باید نگاه نظام مند براجرای قوانین داشته باشند نه اینکه فقط نگاه حاکمیتی داشته باشند. با توجه به اینکه ۷۰ دهیاری در بخش کهریزک وجود دارد دهیاری ها تا کنون بدون برنامه مدون کار کرده اند. حسن این طرح آموزشی برنامه محور کردن و ارائه برنامه توسعه در روستاها است. چند روستا در حال حاضر مشغول اجرایی کردن طرحهای توسعه هستند. مثلا روستای ده نو طرح پنج ساله خود را ارائه داده که مورد تحسین اداره کل مسکن قرار گرفت و برای آن بودجه در نظر گرفته شد. این دوره ها به عنوان یک شروع برای ایجاد اصلاح و تغییر ساختاری برگزار می شود. یکی از معایب انتخاب دهیاران توسط شورای منتخب مردم همین است که امکان دارد دهیار پختگی و دانش کافی نداشته باشد و رفتارهای سلیقه ای و قومیتی داشته باشد. باید به یک ثبات مدیریتی برسیم که از این رفتارها ممانعت شود. خبرنگار: چرا کهریزک با وجود داشتن دادگستری، دادستان ندارد؟ بابایی: جمع بندی تمام عرایض من درپاسخ این سوال نهفته است. با این حجم از انبار و صنایع و وسعت سرزمینی، دادستانی نداریم. حتی تخلفات و پرونده های شکایات بهشت زهرا(س) هم به سمت کهریزک سرریز می شود. اگر بهشت زهرا(س) در دل کهریزک است زیر نظر قضایی و امنیتی آن باشد، و به کهریزک الحاق شود. اگر مربوط به شهرداری تهران است و عوارض سنگینی به آن جا واریز می کند حداقل مباحث قضایی را هم به تهران یا حداقل به شهر آفتاب منتقل کنید. امروزپرونده های زیادی به حوزه آفتاب منتصب می شود.

ماهنامه سراسری میدان آزادی

شماره: ۱
۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده
تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴

آدرس:
تهران-خیابان فدائیان اسلام- خیابان
قم- کوچه حسینی پلاک۱۷

گفت و گـــو با

محسن هاشمی رفسنجانی رئیس سابق شورای شهر تهران

ورود تراموا به تهران شدنی نیست! مترو و اتوبوسرانی را تکمیل کنید تا به ۱۵ میلیون سفرشهری برسید

موضوع حمل و نقل عمومی تهران این روزها دچار بحران زیادی شده اما مدیران شهری به جای تامین و ترمیم خطوط مترو و اتوبوسرانی به فکر ایجاد وسایل نقلیه قدیمی افتاده اند. از این روز با محسن هاشمی رفسنجانی رئیس سابق شورای شهر تهران و مدیراسبق مترو پایتخت گفتگوی کوتاهی داشتیم. خبرنگار: جدیدا موضوع ساخت تراموا در شهر تهران تیتر رسانه ها قرار گرفته در حالی که این پرونده پیش از این مانند مونوریل مختومه شده بود. آیا اتفاق جدیدی افتاده یا اینکه در دوره شما کار کارشناسی نشده بود؟ هاشمی: من هم شنیدم که شهردار تهران از آغاز مطالعه راه اندازی خطوط تراموا در تهران خبر داده و گفته که اجرای هر کیلومتر مترو ۱۵۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد. آقای آقامیری هم در حمایت گفته که هزینه ساخت تراموا یک سوم مترو و یک و نیم برابر هم بیشتر مسافر جابجا می کند. او همچنین گفته مترو یک میلیون نفر ظرفیت خالی دارد و در نهایت اشاراتی هم به موثر شدن اعتبار اسنادی تأمین ٦٣٠ واگن مترو که از سال ۹۵ قرارداد آن امضا شده و تأمین ٪۱۵ پیش پرداخت آن ازسوی دولت و عقب افتادگی در تأمین تجهیزات و قطعات یدکی مورد نیاز مترو کرده است. آنطور که به نظر می رسد هنوز بخش زیادی از نیاز قطعات یدکی مانده و در نهایت مطالعه کارشناسی در مورد تراموا را هم قبول کرده‌اند. فارغ از اینکه صحبت‌های بی رمق و ضد و نقیض عضو کمیسیون تخصصی شورای شهر با وجود جناب آقای تشکری هاشمی که سابقه طولانی و تخصصی در این امر دارد نشان از بلاتکلیفی و ناامیدی و به نتیجه نرسیدن کمیسیون مربوطه و شورای شهر دوره ششم برای پیگیری و به نتیجه رساندن معضل کهنه و رسوب کرده حمل و نقل عمومی تهران است. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که این کارشناسی بارها از سوی مدیران، کارشناسان و مشاوران مجرب در ایران و کلان شهرها انجام شده و نتایج آن هم مکتوب شد و به دلایل مشخص از اجرای آن خودداری به عمل آمد. کافی است مطالعات و نتیجه گیری‌ها مطالعه شود و نگاهی هم به پروژه مونوریل نیمه کاره قم و پایه‌های مونوریل تخریب شده تهران انداخت که پرونده آن در وزارت کشور و بازرسی کل کشور و شورای شهر تهران و قم خاک می خورد. نکته دیگر آنکه تأمین قطعات یدکی برای افزایش بهره‌وری سامانه حمل و نقل عمومی تهران چه مترو و چه اتوبوس امری واجب و لازم است و شورای شهر دلایل تأخیر در اجرای آن را براساس وظایف نظارتی دنبال کند. قطعاً دلیل اصلی تأخیر، کمبود بودجه است که باید سهم دولت و شهرداری به موقع پرداخت شود و پرداخت معوقه‌ها از جمله بودجه معوق ناشی از قانون هدف‌مندی یارانه‌ها و قانون مدیریت مصرف سوخت به شرکت بهره‌برداری صورت گیرد، تا اقدام به تأمین قطعات یدکی برای حفظ امنیت و سرعت و خدمات رسانی به سهولت انجام پذیرد. سومین نکته حائز اهمیت آن است که موثر نمودن اعتبار اسنادی تأمین قطار برای مترو تهران برای ساخت واگن‌ها در کارخانجات داخلی از جمله واگن سازی تهران از اولویت‌های مهم شهرداری و دولت بوده و خواهد بود که متأسفانه دنبال نمی‌شود. مناقصه تأمین واگن‌ها مربوط به دولت اول روحانی در سال ۹۵ است. قرارداد آن به دلایل مختلف از جمله مانع بازرسی کل کشور با تأخیر چند ساله در دولت دوم روحانی در سال ۹۸ براساس ساخت در ایران و تأمین بخشی از قطعات از خارج از کشور به امضا رسید. بعد از امضای قرارداد، ابتدا با مشکل تحریم و کمبود سقف فاینانس روبر بودیم و با پیگیری شهرداری و شورای شهر دوره پنجم بالاخره در لیست فاینانس مورد و قبول بانک مرکزی و دولت و بیمه‌ها قرار گرفت، اما متأسفانه بند تأمین پیش پرداخت ٪۱۵ و هزینه‌های موثر نمودن اعتبار اسنادی از قانون بودجه سال ۱٤۰۱ حذف شد و همین مطلب باعث شد که صندوق توسعه ملی از پرداخت آن امتناع کند. برای همین لازم است ابتدا بند تأمین پیش پرداخت در قوانین و مصوبات بودجه قرار گیرد و اعتبار اسنادی بر مبنای فاینانس دراز مدت موثر شود، متأسفانه هنوز چنین امری در قانون بودجه ۱٤۰۲ اتفاق نیافتاده و لذا اظهار امیدواری برای موثر شدن آن خیالبافی است. علت آن هم کم لطفی دولت در حمایت از حمل و نقل عمومی تهران است. لذا باید با پیشنهاد نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی مجلس و کمیسیون تلفیق جای گیرد. در صورتی که اعتبار اسنادی با پیش پرداخت و ضمانتنامه‌های در وضعیت فعلی موثر شود، امکان دریافت اولین قطارها در یک و نیم سال آینده توسط کارخانجات داخلی فراهم می‌شود. خبرنگار: موضوع قطارها و اتوبوس های اجاره ای هم مطرح است. آیا این اقدام منطقی و به صرفه است؟ نمونه خارجی آن هم داریم؟ هاشمی: قطارهای اجاره‌ای برای متروی تهران مسیری انحرافی است که به این زودی‌ها نمی تواند به نتیجه برسد. چرا که برای متروی تهران با شاخص‌های فنی، قطار دست دوم وجود ندارد و اگر قرار است سرمایه گذار خصوصی یا خصولتی اقدام به ساخت کند باید همین مسیر قرارداد و اعتبار اسنادی شاید با تعداد کمتر دنبال شود. در هر صورت توصیه می شود مسیر انحرافی دنبال نشود. اما ساخت قطار در واگن‌سازی داخلی با استفاده از تحقیق و توسعه انجام شده به عنوان واگن ملی با تأمین بودجه ریالی و ارزی در قوانین بودجه توسط دولت و شهرداری دنبال شود. خبرنگار: پس به نظر شما تراموا به درد تهران نمی خورد؟ هاشمی: اولاً مقایسه قیمت تراموا با مترو به این صورت و در یک جمله غلط‌انداز است. هر سامانه حمل و نقل هزینه‌ای دارد که براساس ظرفیت ایجاده شده مشخص می شود. هزینه تمام شده برای یک ظرفیت چه مبلغی خواهد بود و این طبیعی است که اصولاً سامانه انبوه بر متروهای سنگین براساس ظرفیت ایجاد شده به مراتب ارزان‌تر از سامانه‌های با ظرفیت کم یا متوسط باشند. جهت اطلاع ظرفیت خطوط متروی تهران با توجه به تعداد قطار و طول سکو و تعداد اعزام هر دو دقیقه یک قطار PHPD ٤٥٠٠٠ است که حاکی از یک میلیون سفر در روز برای هر خط است و طبیعی به نظر می رسد که تقسیم هزینه بر ظرفیت سفر قیمت تمام شده مترو را به مراتب کمتر از تراموا براساس ظرفیت ایجاده شده برای هر سفر نشان می دهد. و حداقل ۳/۱ قیمت تراموا براساس ظرفیت مثلاً ۱۰ هزار سفر در ساعت و در مسیر است و لذا روشن است که تراموا به مراتب گران‌تر است. آنچه مهم است بهره‌وری از سامانه ایجاد شده می‌باشد که متأسفانه با عدم تأمین قطار و عدم توانائی اعزام هر دو دقیقه یک قطار و عدم استفاده از سامانه مکمل، اتوبوسی و TOD در اطراف ایستگاه‌های مترو، امکان استفاده از حداکثر ظرفیت مترو فراهم نشده و به همین دلیل گفته‌اند که مترو ظرفیت خالی دارد؟! خبرنگار: با توسعه و زیر بار رفتن خطوط ۱۲ گانه مترو تهران مشکل حل خواهد شد؟ هاشمی: اگر خطوط ۱۲ گانه مترو ساخته شود و با ۹۰۰۰ اتوبوس برقی در سطح کلان شهر تهران به عنوان مکمل عمل کند. تعداد سفر با حمل و نقل عمومی پاک به ۱۵میلیون سفر در روز خواهد رسید. قبل از اجرای کامل چنین شبکه‌ای احتیاج به ایجاد تراموا نیست چرا که هم اکنون با حضور پدیده اتوبوس‌های برقی با باطری‌های پر ظرفیت که امکان طی ساخت چند صد کیلومتری را به اتوبوس می‌دهد و قدرت مانور اتوبوس در کریدورهای شهری را دارد استفاده از تراموا پدیده‌ای تفننی و لوکس فرض می‌شود. لذا لازم است شورای شهر تهران و شهرداری تمام همت خود را به کار گیرد که اولاً برای تهران تجهیزات متحرک اعم از واگن و اتوبوس برقی یا گازی تهیه کنند و با حمایت صد در صدی دولت نسبت به تکمیل خطوط مانده مترو تهران اقدام کنید. دوم آنکه ۹۰۰۰ اتوبوس برقی یا گازی به عنوان مکمل مترو را تأمین کنید، تا کارائی سامانه حمل و نقل عمومی تهران خود را به خوبی نشان دهد و از پراکنده کاری در این مهم به هر دلیل خودداری شود، وگرنه از اینجا رانده و آنجا مانده می‌شویم و یا از اونجا مونده و از اینجا رونده می‌شویم. یعنی برای موقعیت و وضعیت بهتری، طرح‌های خود را نیمه کاره رها می کنیم و نه تنها وضعیت بهتری پیدا نمی کنیم بلکه کم کم هر چه را داشته و بافته‌ایم هم از دست می‌دهیم. اشاره به صحبت‌های جناب آقای تشکری هاشمی رئیس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تهران در آذر ماه خالی از لطف نیست: گفته‌اند تراموا قدرت مانور اتوبوس برقی را ندارد در تأمین هزینه تجهیزات ناوگان تراموایی در مقابل ناوگان مترو تفاوتی نیست، بلکه واگن تراموایی به مراتب گران‌تر از واگن مترویی است. ادامه داده‌اند که تهران بیش از آنکه نیازمند یک سامانه جدید حمل و نقل باشد نیازمند منابع مالی برای تأمین تجهیزات متحرک ریلی و جاده‌ای است از شما می‌خواهم مجدداً این مصاحبه و گفته‌های دیگران در این مورد را برای مقایسه سامانه‌های حمل و نقل را به دقت بیشتری بخوانید. سابقه ایجاد قطار سبک شهری در تهران به حداقل ۵۰ سال پیش برمی‌گردد که در مطالعات مشاور فرانسوی Soufretu مقایسه همه سامانه‌ها دیده شد و در نهایت با تصویب مراجع ذیصلاح سامانه متروی نیمه سنگین با مکمل اتوبوسی برای تهران انتخاب و از ٤٥ سال پیش سرمایه گذاری برای ایجاد چنین سامانه‌ای آغاز شد، هر چند به دلیل تفکر اشتباه و دلواپسان وقت، ساخت مترو متوقف گردید، اما با تلاش معتدلان و دلسوزان وقت در رأس آن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ساخت مترو از سال ٦٦ در اوج جنگ با حدود ٦ سال توقف مجدداً آغاز شد و هم اکنون خوشبختانه تهران دارای نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر خطوط مترو درون و حومه شهری و به شهرهای اقماری است که اگر مسیرهای ریلی حمل و نقل حومه‌ای راه آهن هم به آن اضافه شود، می توان حداقل از ۵۰۰ کیلومتر ریل شهری و حومه‌ای در تهران و اطراف آن به صورت بهینه استفاده کرد و با افزایش خطوط مترو تا ۱۲ خط و ایستگاه‌ها به ۳۰۰ ایستگاه در تهران بزرگ با معضل آلودگی هوا، مصرف سوخت، بیماری و نارضایتی مردم از کیفیت سفر، مبارزه جدی کرد و رفاه و آرامش و آسایش و امنیت و سلامت را برای مردم و مسافران به ارمغان آورد. راهی است که انتخاب شده و باید در اجرای آن مقاومت و پیگیری کرد، تا حداقل از ۲۵ میلیون سفر شهری و حومه تهران ۱۵ میلیون سفر توسط سامانه پاک و امن و پرسرعت مترو و قطارهای حومه‌ای و مکمل آن اتوبوس برقی یا گازی صورت گیرد. شایان ذکر است سال ۸۱ هم در شهرداری با گرانت ژاپنی‌ها مطالعه مجدد تراموائی صورت گرفت که در نهایت پیشنهاد بیش از ۱۷۰ کیلومتر مونوریل و منجر به شروع ساخت مونوریل در تهران شد که توسط شهردار بعدی پایه‌های آن برچیده شد. ساخت مونوریل قم که هم‌چنان نیمه کاره رها شده و ساخت منونوریل کرمانشاه، که با تدبیر به قطار سبک شهری با کریدور ویژه هوائی و تونل تغییر مسیر داد، از نمونه انحراف است. سال ۹۲ هم با مطالعه جدید به پیشنهاد احداث ۵۰ کیلومتر قطار سبک شهری به صورت هوایی رسید که نتوانست اجرایی شود و حتی در سال ۹٤ شهردار ۱۲ساله تهران هم گفت که در صورت موافقت شورای شهر برخی از مناطق تهران صاحب تراموا خواهد شد که موافقت نشد و حتی معاونت حمل و نقل شهرداری در دوره پنجم هم از ایجاد تراموا در تهران و از حذف BRT ولی عصر(عج) و جایگزین آن با LRT یا تراموا خبر داد. و بار این ایده هم نتوانست نظر کارشناسان و تصمیم گیران را جذب نماید. همه این پیشنهادها انحراف از طرح جامع حمل و نقل تهران فرض شد چرا که به گفته کارشناسان ارشد این حوزه اولاً فرهنگ ترافیک و خیابان‌های تهران به شکلی نیست که امکان توسعه تراموای سطحی فراهم باشد و به همین دلیل بود که احمدی‌نژاد را به سمت قطار هوایی یا مونوریل سوق داد. چرا که در تقاطع‌ها مشکل اساسی دارد، مگر اینکه خطوط به صورت کاملاً ویژه انجام شود که امکان‌پذیر نیست و اگر هوایی ساخته شود اولویت خود را از چند نظر چون زلزله، منظر شهری، قوس‌ها، امکان امدادرسانی در زمان حادثه از دست می‌دهد و توصیه نمی گردد و حتی پیشنهاد شد که تراموا جایگزین اتوبوس‌های BRT شود که با توجه به گرانی قطارهای تراموایی کف پایین و ارزان شدن اتوبوس‌های برقی و قدرت مانور بالا در سطح شهر استفاده از تراموا نیز رد شد. ولی پیشنهاد شد که به جای استفاده از اتوبوس‌ها دیزلی در مسیرهای BRT از اتوبوس‌های مدرن و آکاردئونی برقی استفاده گردد. در خاتمه به جملات حکیمانه دکتر صفارزاده عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس اشاره می کنم که گفته‌اند LRT تفاوت چندانی با BRT برقی ندارد و فقط به معنای تحمیل هزینه‌های اضافی برای شهر و شهروندان بوده و دردی از ترافیک شهر تهران دوا نمی کند، اگر شبکه BRT به صورت مکمل مترو و نه موازی با مترو توسعه یابد و اتوبوس‌های برقی و یا حداقل گازی باشد و هم چنین تعداد اتوبوس‌ها افزایش یابد و خطوط مترو تکمیل و به تجهیزات متحرک کافی مجهز شود. نیازی به تراموا نخواهد بود. اگر بخواهیم BRT را به تراموا تبدیل کنیم، قطعاً در تقاطع‌ها دچار مشکل می‌شویم. چرا که تراموا شبکه انبوه بر نیست، اگر روی سطح ایجاد شود بدون کریدور ویژه، در معابری که ترافیک وجود دارد اختلال را دو چندان می کند.